اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۸۵
دوره دوم
دوشنبه ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۰
بها ۲۰ ریال

استقلال

استقلال، یعنی قطع نفوذ کامل آمریکای جهانخوار

(از اطلاعیه دفتر امام - ۱۳۶۰/۴/۱۲)

درصفحه ۸

جنگ را از یاد نبریم

ازجمله هدفهای جبههٔ متحد ضد انقلاب در آشوب ـ های اخیر، بویژه در جنایت بزرگ هفتم تیرماه که به شهادت ده‌ها تن از مبارزان راه انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران و در رأس همه آیه اله دکتر سید محمد بهشتی منجر شد، منحرف کردن اذهان مردم از دشمن اصلی و از جنگی است که ازجانب آمریکا و به دست صدام جنایتکار برمیهن انقلابی ما تحمیل شده است.

اکنون ده ماه است که دلاوران ارتش و سپاه پاسداران انقلاب، ژاندارمری و نیروهای داوطلب قهرمانانه از انقلاب ومیهن انقلابی خود دفاع می‌کنند. ده ماه است که خون عزیزترین جوانان وطن و مردم زحمتکش شهرهای غرب و جنوب ما به خاک می ریزد تا یکی از شوم ترین توطئه‌های دشمن اصلی انقلاب ایران، امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، خنثی شود. اما پیوستگی حوادث جنگ و آنچه در پهنهٔ ایران می‌گذرد، دیگر جای تردید باقی نمی‌گذارد که سرنوشت این جنگ از چارچوب باز پس گرفتن مناطق اشغالی ـ که بی شک به ارادهٔ توده‌های میلیونی مستضعفان بازستانده خواهد شد ـ وبیرون راندن متجاوزان صدامی از مرزهای ایران ـ که البته رانده خواهند شد ـ فراتر می رود. جنگ برانگیخته از سوی امپر- یالیسم تبهکار آمریکا به دست صدام جنایت پیشه، با سرنوشت انقلاب ایران و باآرایش نیروهای ارتجاع و

بقیه در صفحه ۱۱

شناخت دوستان ودشمنان انقلاب ایران

نخستین اصل سیاست خارجی ایران است

معرفی آقای مهندس حسین موسوی از طرف آقای نخست وزیر وانتخاب ایشان از طرف مجلس شورای اسلامی ایران بعنوان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، این امید را برمی‌انگیزد که سرانجام وزارت امور خارجه بتواند در خط منافع انقلاب اسلامی ایران، در خط ضد امپریالیستی برای تأمین و تحکیم استقلال همه جانبه جمهوری اسلامی ایران به فعالیت موثر و گسترده بپردازد.

امورخارجه جمهوری اسلامی ایران، که یکی از مهمترین و حساس‌ترین عرصه ـ های فعالیت دولتی در رابطه با دیگرکشورها است، متأسفانه بمدت ۲ سال در دست نمایندگان سرمایه ـ داری لیبرال ایران قرار داشت، و سپس با کارشکنی بنی‌صدر چندین ماه ازوزیر مسئول محروم شد تانتوانند گام‌های مثبت و موثری در راه تأمین و تحکیم استقلال کشور به پیش بردارد. ازاین جهت می‌توان گفت که باانتخاب آقای موسوی به سمت وزیر امور خارجه، وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران در واقع تازه متولد می ـ شود و بنابراین وظیفه‌ای که برعهدهٔ آقای موسوی قرارگرفته، بهمان اندازه سنگین است که می‌تواند سودمند و افتخار آفرین باشد

در تمام مدت درازی که وزارت امور خارجه در چنگ لیبرالها بود ـ خط وزارت امورخارجه بطور عمده، خط سازش باآمریکا خط باز ـ گرداندن آمریکا از "پنجره" خط قالب زدن آمریکا بعنوان دولتی "پشیمان" از کردهٔ گذشته خویش وآماده پذیرش و شناخت انقلاب اسلامی ایران، خط جابجا کردن دوستان ودشمنان خارجی جمهوری اسلامی ایران وبدین وسیله صاف کردن جاده بازگشت امپریالیسم، بسر ـ کردگی آمریکای هار، جنایت ـ کار و غارتگر بود. بفرموده

امام خمینی:

"خط این بود که آمریکا اصلا منسی (فراموش) بشود، ... شوروی را مطرح می ـ کردند تا آمریکا منسی بشود ... خط این بود که این قضیه مرگ بر آمریکا منسی بشود".

بقیه در صفحه ۲

ضربات جدی براسلام آمریکایی

رویدادهای مهم اخیرکشور، خط اسلام آمریکائی را از اسلام خمینی بیش از پیش متمایز ساخت و خصومت اسلام آمریکائی را باانقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی میهن ما، مخالفتش را بارهبری قاطع امام خمینی ودشمنی اش را با مسلمانان انقلابی پیرو خط امام بوضوح آشکار نمود.

امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، زمانی که ازحفظ شاه ملعون براریکه قدرت عاجز ماند، مهرهٔ معتمد خود شاپوربختیار را به میدان آورد تابدست او منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی و استراتژیکیش را حفظ کند و چون در این زمینه توفیق نیافت و رهبری قاطع امام خمینی، بختیار را همچون محمد رضا از عرصهٔ قدرت کنار افکند، نیرو ـ های "مسلمان معتدل و میانه رو" را برای پیشبرد اهداف خود و مسخ انقلاب نشانه ـ گیری کرد، تاخط سازش را برانقلاب تحمیل نمایند و راه را برای بازگشت امپریالیسم

بقیه در صفحه ۲

کارنامهٔ ابوالحسن بنی صدر (۱)

خط بنی صدر برضد خط امام

بنی‌صدر که خود را "بزرگترین اندیشهٔ جهان معاصر" و "تنها مجتهد عالم عصر" می‌دانست، تقابل با خط امام را ازمسائل کوچک آغاز کرد و سرانجام در همه امور در مقابل خط امام قرارگرفت.

اکنون ـ ۲۲ تیر ۱۳۶۰ ـ نزدیک به یکماه از عزل ابوالحسن بنی صدر از ریاست جمهوری می‌گذرد. آن روشنفکربیمار پاریس نشینی که خود را "بزرگترین اندیشمند معاصر جهان" می‌دانست و به شهادت آنچه قلم زده و آنچه درعمل نشان داده، از کمهایه ـ ترین کسانی است که درقرن اخیر، از بخت بد مردم ما، براریکه قدرت تکیه زده، اکنون بعنوان یکی از خطرناکترین موانع، از سر راه انقلاب روفته شده است.

آن لیسانسیه معقول و منقول که خود را دکتر در اقتصاد خوانده بود و کتاب تضاد و توحید خود را "بزرگترین اثرقرن" می ـ دانست و بااستفاده از فرصت طلائی، بر امواج خون توده‌ها، تااحراز مقام ریاست جمهوری ایران انقلابی پیش رفت، اکنون با همهٔ دستگاه مائوئیستی ـ جاسوسی پیرامون خود به زباله دان تاریخ انداخته شده است.

این برکناری، که بی کمترین شک مایهٔ خرسندی همهٔ نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، متأسفانه با افشاگری کامل خطی که بنی‌صدر در پی پیاده کردن آن بود، همراه نبوده است. غیر از سخنان حجت الاسلام موسوی‌خوئینی ـ ها و حجت الاسلام سید علی خامنه‌ای در جلسه علنی مجلس و معدودی مقاله گسسته در این روزنامه و آن نشریه، هنوز درباره "سیاست بنی‌صدر" سخن اصلی گفته نشده است. واین درحالیست که آشنائی باخط بنی‌صدر وافشای ویژگیهای آن، به مردم قهرمان ایران توان افزونتری در شناخت دقیق تر دشمنان هزارچهره خود خواهد داد.

"اتحاد مردم" برآنست که این وظیفه را درحد توانائی خود به انجام برساند. در آنچه از این شماره ببعد می‌خوانید، سعی خواهد شد خطوط اصلی "خط بنی‌صدر" و سیاست او کاملا عریان در معرض قضاوت خوانندگان گرامی قراربگیرد. مطالبی که تحت عنوان "خط بنی‌صدر" خواهد آمد، بر اساس نوشته‌های خود او تنظیم شده و از حوادث و اظهارنظرها و افشاگری‌های دیگران تنها برای ربط خطوط مختلف سیاست بنی صدر استفاده شده است.

* * *

می‌توان گفت که مهمترین ویژگی "خط بنی‌صدر" مقابله این خط با "خط امام" بود. باتوجه به ویژگی روانی ابوالحسن

بقیه در صفحه ۱۱

طرح قانونی فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی

مجلس شورای اسلامی سرانجام در جلسهٔ مورخ ۱۸ تیرماه ۶۰، "طرح قانونی فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی" را با اکثریت ۱۱۱ رأی به تصویب رسانید.

مجلس شورای اسلامی در شرایطی به بررسی و تصویب قانونی درمورد فعالیت "احزاب، جمعیت ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی، پرداخت که انقلاب "ایران لحظات بسیار حساسی را می‌گذراند که در آن جبههٔ کلیه نیروهای مخالف جمهوری اسلامی ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، تلاش گسترده‌ای را برای منهدم ساختن انقلاب و به شکست کشاندن آن آغاز کرده‌اند چنین شرایط حساسی ازمسئولین جمهوری اسلامی ایران می طلبد که تمام تلاش خویش را برای تجمع کلیهٔ نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، برای مقابله با توطئه‌های خطرناک براندازی بکار اندازند و موانع را از سر راه فعالیت نیروهائی که طی دوسال ونیم گذشته صداقت خود را نسبت به جمهوری اسلامی ایران و وفاداری خود رانسبت به انقلاب، به اثبات رسانیده ـ اند، بردارند.

بقیه در صفحه ۹

سیطرهٔ امپریالیسم خبری را ریشه‌کن کنید!

وزارت ارشاد اسلامی، دفتر خبرگزاری امپریالیستی رویتر را، بدنبال دفاتر آسوشیتد ـ پرس و یونایتد پرس، بدلیل نشر اخبار خلاف واقع و "مخابره خبرهای دور از واقعیت، غلو و دروغ و تزویر" درمورد ایران تعطیل کرد.

این اقدام صحیح انقلابی درپی انتشار تحقیقات "گروه تحقیق واحد بین‌المللی خبرگزاری پارس" صورت گرفته که عملکرد خرداد ماه خبرگزاری رویتر را مورد ارزیابی قرارداده و نشان داده بود که عملکرد این خبرگزاری بطور مطلق علیه انقلاب ایران و بمنظور قلب واقعیت انقلاب و تحریک افکار عمومی علیه آن است. طبق آمار ارائه شده توسط این گروه، قریب به حداقل ۸۰ درصد اخبار منتشرشده توسط این خبرگزاری امپر- یالیستی، علیه انقلاب ایران بوده است.

نکته مهم دیگر درتعطیل دفاترخبر ـ گزاری‌های امپریالیستی، که آخرین آنها دفتر رویتر بود، آن است که کارگزاران دفاتر خبرگزاری‌های امپریالیستی تنها برمخابرهٔ اخبار و گزارشهای کذب و تحریک آمیز در مورد انقلاب ایران اشتغال ندارند ـ که این

بقیه در صفحه ۱۱

تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ـ اجتماعی باید درسطح انقلاب سوم باشد

صفحه ۸

بقیه از صفحه ۱

ضربات جدی بر اسلام آمریکایی

هموار سازند. چنین بود که عاصری چون امیرانتظام سخنگوی دولت موقت بعنوان ابزار عملکرد سیاست نوین امپریالیسم وارد صحنه شدند ، نزیه‌ها و مقدم مراغه‌ای‌ها در مواضع حساس انقلاب جای گرفتند و قطب زاده‌ها و یزدی‌ها و بنی‌صدرها بمثابه کارگردانان سیاست نظام نوین انقلابی وارد معرکه شدند.

اسناد بدست آمده از جاسوسخانه آمریکا حکایت از آن دارد که امپریالیسم آمریکا در آستانه پیروزی انقلاب ، سیاست خود را در ایران برمحور پشتیبانی از گروه‌های میانه ـ رو متمایل به غرب " یعنی لیبرالها قرار داد ، تا مانع از بدست گرفتن قدرت از سوی مسلمانان انقلابی به رهبری امام خمینی شود . در آن هنگام سولیوان سفیر پیشین آمریکا در ایران صریحا اظهار کرده بود که :

" هرگروه میانه رو و متمایل به غربی که به مبارزه علیه (ملاها) برخیزد ، در مورد آن بعنوان یك گروه (مترقی) باعلاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد."

انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن پیروز شد و دولت موقت زمام امور را بدست گرفت . دولتی که از زبان سخنگویش امیرانتظام معتقد به " ضرورت تفاهم میان ایران و آمریکا " بود . امپریالیسم آمریکا باتکیه براین گرایش های سازشکارانه ، بورژوازی لیبرال ایران و با استفاده از مهره‌هائی چون امیرانتظام ها در درون دولت موقت ، امیدوارشد که به تدریج موقعیت مسلمانان انقلابی پیرو خط امام تضعیف شود قدرت در دست دولت موقت تمرکز یابد :

" ما می‌توانیم برای ایرانی کارکنیم که میانه رو باشد و ناسیونالیست های مخالف روحانیت تسلط بیشتری در اداره مملکت داشته باشند ".

(اسناد جاسوسخانه ـ شماره۳)

در اسناد جاسوسخانه همچنین آمده است که آمریکا روابط خود را با دولت موقت " دوستانه و همکاری طلبانه " ارزیابی می ـ نمود و معتقد بود که " دولت موقت بها همیت روابط باآمریکا پی برده است "!

بااین وجود ، گسترش و تعمیق دائمی سمت ضد امپریالیستی انقلاب مانع از آن بود که دولت موقت بتواند روابط آمریکا با ایران را در کوتاه مدت ترمیم بخشد. امیرانتظام سخنگوی دولت موقت به (چارلز نـاس) جاسوس سیا گزارش داده بود که :

دولت وی ، همچنان خواهان ، روابط خوبی باآمریکاست و چون احساسات ضد آمریکائی در ایران شدید و گسترده است ، عادی کردن روابط می بایست با دقت صورت گیرد .

(اسناد جاسوسخانه ـ شماره ۱۰)

" چارلزناس" در نامه‌ای به وزارت امور خارجه آمریکا اطمینان داده بود که :

" اگر این دولت دوام پیدا کند ، روابط اقتصادی و سیاسی چنان خواهد بود کمیك موقعیت بهتری برای ما بدست خواهد آورد ".

(اسناد جاسوسخانه ـ شماره۳)

دولت موقت به برکت هشیاری مردم و قاطعیت امام خمینی دوام نیافت وانقلاب دوم ، که بزرگتر ازانقلاب اول بود ، دولت موقت هوادارسازش را در سیلاب خشم و نفرت مردم نسبت به امپریالیسم آمریکا غرقه کرد.

با برکناری دولت موقت ، انقلاب ضد ـ امپریالیستی تعمیق شد و هر روز بیشتر به سوی تأمین استقلال وقطع رشته‌های وابستگی گام برداشت این بار امپریالیسم مهره‌های جدیدی رابرای انحراف انقلاب ازمسیر درست ، وارد میدان کرد. تازه مسلمانان مائو ـ ئیست و افراد مظنون یابی هویت برهبری بنی‌صدر پرچم مبارزه باخط امام رابرافرا ـ شتند و دفترهماهنگی و دفتررئیس جمهوری رابه مراکز توطئه علیه رهبری امام خمینی ، مسلمانان انقلابی پیرو خط امام ، بدل کردند

امام خمینی در دیدار با اعضاء خانواده ـ های شهدای فاجعه تأسف بار هفتم تیر ، که به شهادت گروه بزرگی از یاران امام انجامید ، سراسراین جریان آمریکائی را در چند جمله بیان می‌کنند.

" قضیه شخص وافراد نبود. قضیه همان جریان بود که با اصل اساس مخالفت باشد. قضیه دفترهماهنگی در سراسرکشور یك قضیه من باب اتفاق و عادی نبود. قضیه مخالفت با دولت اسلامی و هر روز در هر گفتاری ، در هرنوشته‌ای حمله به دولت ، به اینکه این دولت کاری از او برنمی‌آید. قضیه این نیست که مجلس یك مجلس غیر کارآئی است و از اشخاص غیر مطلع تشکیل شده ، مسائل این نیست ، مسئله این نیست که قوه قضائیه بدست انحصارطلبان افتاده است . اینها مسائل اصلی آنها نیست . مسائل آمریکاست و اسلام . جریان آمریکائی در مقابل اسلام ".

مسئله مقابله اسلام آمریکائی با اسلام خمینی ، همانطورکه امام بیان می‌کنند ، از همان آغاز پیروزی ، در دو خط مشخص تجلی نمود. مخالفان اسلام خمینی ، که بنام مسلمان خود را در صفوف دولتمردان انقلاب جا زده بودند ، هرگزعیان نمی‌کردند که با محتوای ضد ـ امپریالیستی ومردمی خط امام مخالفند ، بلکه مخالفت خود را در کسوت مخالفت با کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب ، سپاه پاسداران ودانشجویان مسلمان پیرو خط امام و در دشمنی با مسلمانان انقلابی پیرو خط امام خمینی بیان می داشتند. اینان دعوی مسلمانی داشتند ، اما درعمل از امپر ـ یالیسم ، بسرکردگی آمریکاو ستم برمستضعفان جهان حمایت می‌کردند ، دعوی مسلمانی داشتند. اما حامی نظام بهره کشی بودند و محرومیت محرومان جامعه را امری ضرور و محتوم می‌دانستند.

در شرایطی که امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی آمریکا ، رودر روی انقلاب ایران ایستاده بود (وایستاده است) و باتوطئه ـ ها و دسیسه‌های خود تلاش در سرکوب انقلاب داشت (ودارد)دولتمردان به ظاهرمسلمان ، که بگفته امام " نماز شب هم می‌خوانند " ، خود را به ندیدن و نشنیدن و نفهمیدن زدند. و سعی داشتند که امپریا ـ لیسم غدار آمریکا را از زیر ضربه خارج کنند امام خمینی می گویند:

" خط این بود که اصلا آمریکا منسی شود یکدسته شوروی را طرح می‌کردند ، تا آمریکا منسی شود".

در سخنان وخطابه‌ها وصفحات روزنامه ـ هاشان ، نامی از آمریکاو توطئه‌های بر ـ اندازی این دشمن اصلی و عمده استقلال ایران نبود وبجای آن ستون هاوصفحات ، صرف مطالب انحرافی می‌شد ، تا افکارعمومی را ازتوجه به خطرات ناشی از عملکرد های امپریالیسم در کشور ، باز دارند. ازچهارگوشه جهان برای نظام جمهوری اسلامی ایران دشمن می‌تراشیدند ، تا مردم فراموش کنند که دشمن اصلی و خطرناك و غدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران امپریالیسم آمریکاست امام در این باره می گویند :

" نه اینکه نمی فهمیدند که ما اسیر آمریکا نیستیم ، میتوانستند ما را از استقلال بیرون بیاورند و بدامن آمریکا بیندازند ".

مسلمانان مخالف اسلام خمینی مانع از برقراری مناسبات دوستانه باکشورهای دوست ایران در منطقه می‌شدند ، فاصله‌های مصنوعی میان ما و آنها می‌آفریدند و در عوض کوشش داشتند تا دشمنان انقلاب ایران در منطقه را دوست جلوه دهند: رژیم ضیاء ـ الحق را دست نشانده آمریکا نمی‌دانستند رژیم عربستان سعودی راآنطورها هم وابسته وارتجاعی نمی‌شناختند ، ترکیه هم پیمان آمریکا را دوست انقلاب ما می‌دانستند ، اما به لیبی و الجزایر و سوریه و یمن دموکراتیك و کشورهای سوسیالیستی روترش می‌کردند و دست دوستی‌شان را پس می‌زدند.

در مبارزه با فئودالیسم و سرمایه داران بزرگ سرانجام روشن نشد که این "مسلمانان" در کدام سو ایستاده اند ، هرچند که سکوت آنها نشان دهنده حمایت آنان از فئودالها زمینداران و سرمایه داران بزرگ بود. هرگز نظر صریح خود را درباره طرح ملی کردن بازرگانی خارجی اجرای بند "ج" و "د" ، تحدید مالکیت های خصوصی و غیره و غیره اعلام نکردند و در مسائل مهم انقلاب همواره خود را به کوچه علی چپ زدند.

* * *

باتصمیم تاریخی مجلس شورای اسلامی در مورد تصویب عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر عزل وی از سوی امام خمینی وافشاء مواضع سازشکارانه و تسلیم طلبانه سرمایه‌داری لیبرال ایران ، برمواضع سیاسی اسلام آمریکائی ضربات جدی وارد آمده است . اکنون بیش از هرزمان آشکارشده است که فقط مسلمان بودن دلیل برانقلابی بودن نیست ، مسلمان می‌تواند ضدانقلابی هم باشد و غیرمسلمان انقلابی . تمام ضرباتی که در دوران پس از پیروزی برانقلاب وارد آمده ، بطور عمده از فاجعه اسلام آمریکائی و غیرانقلابی ، یاضد انقلابی بوده است . به گفته امام: " نباید دیگراشتباه تکرارشود " باید به جبهه متحد پشتیبانان راستین انقلاب تکیه زد ، صرفنظر از آنکه بینش آنان این یاآن باشد .

بقیه از صفحه ۱

شناخت دوستان...

ازاین رو وظیفه مهمی که اکنون برعهده وزارت امور خارجه قرار دارد ، بگفته آقای موسوی وزیر امور خارجه ، " برگشت به واقعیت های موجود در جهان است ، این که ببینیم انقلاب ما چه رسالتی را بر عهده دارد و به چه سمتی می خواهد حرکت کند ، دشمنان و دوستانش چه کسانی هستند ".

" برگشت به واقعیت های موجود در جهان " در عرصه فعالیت وزارت امورخارجه درحقیقت همان شناخت دشمنان و دوستان است ازدیدگاه رسالتی که انقلاب ما برعهده دارد و محتوای اساسی آن تأمین استقلال همه جانبه کشوراست و همکاری با جنبش های آزادی بخش ، که طی نبردی سخت باامپریالیسم ، بسرکردگی امپریالیسم غدار آمریکا ، قابل اجرا است.

خلق قهرمان ما برهبری امام خمینی در هرسه مرحله انقلاب بزرگی که پیروزمندانه پشت سرنهاده ، دشمنان خود را در وجود دولتهای امپریالیستی و دولتهای دست نشانده امپریالیسم و دشمن اصلی خود را در وجود امپریالیسم آمریکا بخوبی شناخته است . ازدیدگاه شناخت آن دشمنان واین دشمن اصلی ، شناخت دوستان نیز چندان دشوار نیست . تمام دولت ها و نیروهای ضد امپریالیستی ، که در عمل نیز دوستی خود را بصورت پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به اثبات رسانده باشند ، دوستانند که مجموعا جبهه ضد امپریالیستی جهانی را تشکیل می‌دهند ، واین جبهه متشکل است از دولت های سوسیالیستی ، دولت های عربی جبهه پایداری وآن دولت هائی از" جهان سوم " که درگیرنبرد با امپریالیسم اند و آن جنبشهائی که بر ضد امپریالیسم برای استقلال کشورخویش می ـ رزمند .

قانون اساسی مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را ، ازجمله درنفی هرگونه سلطه جوئی و سلطه پذیری ، منع هرگونه قرارداد سلطه گرانه ، حفظ استقلال همه جانبه کشور ، خودداری از دخالت در امور داخلی دیگر کشورها و حمایت ازمبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابرمستکبرین اعلام کرده است. با حفظ این مواضع در برقراری مناسبات با دیگر کشورها ، وزارت امورخارجه می‌تواند در فعالیت خود دشمنان و دوستان انقلاب را همواره بیشتر و بهتربشناسد ، در مبارزه با دشمنان روابط همواره گسترده تری با دوستان بسود استقلال و رشد مستقل کشور در جهت تأمین منافع خلق مستضعف ایران برقرارکند.

بدیگرسخن ، وزارت امورخارجه ازموضع استقلال ، عدم مداخله درامور دیگرکشورها و عدم پذیرش هرگونه مداخله در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران ، برابری کامل حقوق و احترام متقابل ، شناخت متقابل حق حاکمیت و تمامیت ارضی و سود متقابلا عادلانه ، می‌تواند درعمل و طی فعالیت خود دوستان را از دشمنان تشخیص دهد و درمبارزه بادشمنان ، بادوستان بسود سیاست استقلال طلبانه و مردمی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران ، مناسبات برقرار نماید.

ما امیدواریم وانتظارداریم که آقای مهندس سید حسین موسوی ، درمقام وزیر امورخارجه ، بتوانند خط سازشکاری با دشمنان و ایجادتیرگی بادوستان را ، که لیبرالها برجمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده بودند ، بکلی و تماما محو و نابود کنند و فعالیت وزارت امور خارجه را در مسیر مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم ، به سرکردگی آمریکاو ایجاد روابط حسنه با جبهه ضد امپریالیستی ، بسود تحکیم استقلال و رشد مستقل جمهوری اسلامی ایران قرار دهند.

شرکت فعال در نبرد عادلانه برضد تجاوز رژیم صدام یك وظیفه انقلابی است!

مردم قهرمان ایرلند شمالی تا طرد کامل استعمار فرتوت انگلیس به مبارزهٔ خود ادامه می دهند

پنجمین عضو ارتش جمهوریخواه ایرلند در پی یک اعتصاب غذای طولانی که بخاطر کسب حقوق سیاسی برای بیش از ۴۰۰ تن زندانی همرزمش در زندان لانگ کش در نزد یک بلفاست صورت گرفته بود، قهرمانانه جان باخت.

استعمار فرتوت انگلیس برای حفظ مطامع استعماری انحصارات غارتگر بریتانیا و دفاع از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران محلی از هیچ جنایتی در ایرلند فروگذار نمی کند.

اکنون بیش از ده سال است که ایرلند شمالی در موقعیت بسیار باریکی قرار دارد. بر اثر ترور وحشیانه حاکم بر این سرزمین مرگ در هر کوی و برزن در کمین انسان است و پیر و کودک را در کام خود فرو می برد. این وضع از اوت ۱۹۶۹ هنگامی آغاز شد که واحدهای مهم ارتش منظم بریتانیا وارد بلفاست و لندندری شدند. ظاهرا ورود واحدهای نظامی انگلیس به بهانه جلوگیری از برخوردهای دو جامعهٔ مذهبی خصم یکدیگر — کاتولیک ها و پروتستان ها — بود.

تقسیم ایرلند از اصل قدیمی امپریالیستی "تفرقه بینداز و حکومت کن" سرچشمه می گیرد. امپریالیسم انگلیس در سال ۱۹۲۱ تحت تأثیر مبارزه رهائی ملی طولانی و سخت مردم ایرلند ناچار شد که به تشکیل یک دولت مستقل ایرلندی که پایتخت آن دوبلین انتخاب شد تن دهد. باوجود این لندن با تهدید به "جنگ مستقیم و وحشتناک" (گفته للوید جرج) تقسیم کشور را بر ایرلندی ها تحمیل کرد. در نتیجه ۶ ایالت از ۹ ایالت تاریخی اولستر در محدودهٔ قلمرو سلطنتی انگلیس و ایرلند شمالی قرار گرفت. در این قلمرو است که مبارزه طبقاتی زیر پوشش دو جامعهٔ مذهبی جریان دارد.

البته، تقسیم ساکنان بر حسب اعتقادات مذهبی خلاف طبیعت است. باوجود این، در چارچوب ایرلند شمالی مفاهیم "کاتولیک" و "پروتستان" به یک اندازه شاخص مذهب و مجموع آراء سیاسی و شرایط اقتصادی و اجتماعی هستند. بومی های جزیره — کاتولیک ها — کارگران و دهقانان اجاره دار خرده پا را تشکیل می دهند. آنها در کارخانه ها و زمین های متعلق به پروتستان ها کار می کنند. اسلاف پروتستان ها که با سربازان کرمول به سرزمین ایرلند آمدند، بعدها به بانکداران، کارفرمایان مؤسسات بازرگانی و صنعتی، مالکان بزرگ ارضی و زمینداران عمده بدل شدند. آنها ثروت شان را از راه تصرف زمین های کاتولیک ها به چنگ آورده بودند. آنها خود را "وحدت طلب" می نامند، یعنی هوادار اتحاد با بریتانیا هستند. چون سیاست سلطه جویانهٔ بریتانیا پایهٔ تبعیض نسبت به اقلیت کاتولیک و تأمین کننده رفاه و نیروی کار ارزان برای آنهاست.

البته بین کاتولیک ها نیز افراد مرفه وجود دارند و اکثریت پروتستان ها را کارگران تشکیل می دهند. اما این تفاوت بین آنها وجود دارد که برای هر پروتستانی شغل و مسکن به زیان همسایه کاتولیک وی تأمین شده. این وضعیت ناشی از سیاستی است که بریتانیا قرنها اعمال می کند و همواره محرک تضادهای دو جامعهٔ مذهبی است. بر این اساس اگر در جمهوری ایرلند بیش از ۹۰٪ جمعیت کاتولیک اند، در ایرلند شمالی در برابر یک میلیون پروتستانی نیم میلیون کاتولیک وجود دارد.

الیگارشی پروتستان از ترس از دست دادن امتیازات خود همواره تنفر و کینه نسبت به کاتولیک ها را دامن می زنند. آنها توفیق یافته اند کارگران پروتستان را متقاعد سازند که جدائی از بریتانیا برای آنها فاجعه انگیز است و موجب پایین آمدن سطح زندگیشان می گردد. این امر موجب اتحاد غیرعادی بین بانکداران و کارگران، مالکان بزرگ ارضی و اجاره داران زمین شده که بر اساس احساسات مشترکشان در دشمنی با جمهوری ایرلند و کاتولیک ها پیوند یافته اند.

این اتحاد برای محافل حکومتی لندن و بلفاست بسیار سودمند است، زیرا از تشکیل جبههٔ متحد مبارزه بین کارگران کاتولیک و پروتستان بر ضد دشمن مشترک طبقاتی جلوگیری می کند.

حاکمان لندن برای تحمیل نظم خود بمردم ایرلند شمالی یک دستگاه فشار و سرکوبگر بی سابقه بنیاد نهادند، زیرا مردم این سرزمین هیچگاه حاضر نبود ماند به شرایط تحمیلی استعمارگران تن دهند.

در پی این فشارهای ابلیسی بود که نیروهای انقلابی ایرلند شمالی سازمان های مقاومت مخفی خود را بوجود آوردند. ارتش جمهوری خواه ایرلند در میان آتش شورش ۱۹۱۶ در دوبلین پا بعرصهٔ وجود نهاد. رهبری ارتش جمهوریخواه ایرلند قرارداد ۱۹۲۱ انگلیس — ایرلند را درباره تقسیم کشور به رسمیت نشناخت. این ارتش با مقامات دوبلین به مقابله برخاست و از آن هنگام در شرایط مخفی فعالیت می کند.

در پایان ۱۹۶۹، پس از کشتار خونین در محله های کاتولیک و مداخله واحدهای انگلیسی در بلفاست و لندن دری در ارتش جمهوریخواه ایرلند انشعاب روید اد. از آن موقع ارتش "رسمی" یا "سرخ" جمهوریخواه ایرلند و ارتش "موقتی" یا "سنتی" جمهوریخواه ایرلند تشکیل شد. هدف هر دو آنها اتحاد ایرلند است. اما ارتش "موقتی" جمهوریخواه ایرلند صرفا تکیه به مبارزهٔ مسلحانه دارد:

کار پایه سیاسی ارتش "موقتی" جمهوریخواه ایرلند که مبتنی بر بنیاد نهادن ایرلند نوین است در ۱۹۷۲ پیشنهاد شد. البته فرمول های آن بسیار مبهم اند. رهبران این ارتش چیزی فراتر از ایجاد ایرلند واحد برمبنای "سوسیالیسم مسیحی، بدون کمونیست ها" ارائه نکرده اند. تصویری که آنها از آینده رسم می کنند گنگ و مبهم است. در حال حاضر کار آنها منحصر به حمله به گشتی ها، واحدهای پلیس، سربازان منفرد، مأموران مخفی و گاردهای زندان است. آنها سوءقصد هائی هم در موسسات، تفریحگاهها، هتل ها و قهوه خانه ها ترتیب می دهند. نفربرها و خانه ها را منفجر می کنند و دهها نفر ساکنان آن را به قتل می رسانند.

دولت انگلیس به بهانهٔ "مبارزه با تروریسم" در ایرلند شمالی دست به تصویب قوانین استثنائی زده و مردم این کشور را از حقوق دموکراتیک و آزادی های مدنی محروم کرده است. در چارچوب "حکومت مستقیم" لندن در اولستر محاکم دادگستری عملا به حال تعلیق درآمده و دادگاههای ویژه جانشین محاکم جنائی شده اند. دادگاهها طبق اظهارات محض یک پلیس یا خبرچین رای صادر می کنند. احکامی که طبق "اعترافات" متهمان در زیر شکنجه صادر می شود، وسیعا رواج دارد. به نوشتهٔ سندی تایمز دوبلین بیش از ۸۰٪ زندانیان زندان های اولستر بدین سان به حبس های طولانی محکوم شده اند. توقیف افراد بدون اجازه دادستان نه تنها برای ارتکاب اعمال غیرقانونی! بلکه "در صورتی هم که شخص مظنون به ارتکاب چنین اعمالی باشد" مجاز است. به علاوه ارتش و پلیس حق دارند بدون دلیل و اتهام افراد را در زندان نگاهدارند.

کسانی که از طریق اخبار برخی از روزنامه های انگلیسی با رویدادهای ایرلند آشنا می شوند می گویند که تابلوی مذکور درباره اوضاع ایرلند بسیار مبهم است. مخصوصا از آن جهت که شنیده اند پلیس ویژه تظاهرات بجای گلوله های سربی از گلوله های پلاستیکی استفاده می کنند، اسلحه جدیدی که آن را "اسلحه انسانی" توصیف کرده اند.

این "اسلحه انسانی" که آن را "چماق پرنده" می نامند، قطعه ای استوانه ای از پلاستیک به سختی سنگ است که بیش از ۸ سانتی متر طول و نزدیک به ۳ سانتیمتر قطر دارد. به گفته پزشکان بلفاست این گلوله برای بدن انسان بسیار خطرناک است. این گلوله اعضای داخلی بدن را مجروح کرده، کوری ببار می آورد. تنها در ماه گذشته در پی جراحاتی که از این گلوله به وجود آمد یک نفر بنام هانری دوفی ۴۰ ساله از لندن دری و دو دختر خردسال جولیا لیونیگستون ۱۴ ساله و کارول آن کلی ۱۲ ساله از بلفاست در بیمارستان درگذشتند. آنها کوشیده بودند در مدت آرامش از مغازه نزد یک خانهٔ خود خرید کنند.

در پی اجرای قانون سرکوبگرانه اردوگاه متمرکز لانگ کش نزد یک بلفاست تشکیل شد که مقامات دولتی آن را "زندان میز" نام نهادند. تقریبا ۱۳۰۰ زندانی پشت دیوار بلندی به ارتفاع سه برابر قد انسان نگاهداری می شوند. این زندان از چند ردیف سیم خاردار احاطه شده است. بین زندانیان اعضای ارتش "موقتی" جمهوریخواه ایرلند نیز وجود دارند. آنها در سلول هائی به شکل حرف H که به "بلوک های H" معروف اند جاداده شده اند. اکنون متجاوز از ۴ سال است که بیش از ۴۰۰ نفر برای کسب حقوق زندانی سیاسی مبارزه می کنند.

یکی از این زندانیان بنام بابی ساندز در اول مارس گذشته با تاکید بر این درخواست دست به اعتصاب غذا زد. در آغاز ماه آوریل او نامزدی خود را برای انتخابات تکمیلی حوزه فرماناگ و تیرون جنوبی اعلام داشت و بعنوان نماینده پارلمان بریتانیا انتخاب شد. انتخاب وی نشان داد که زندانیان زندان های اولستر در مبارزه خود تنها نیستند. در اولستر و در جمهوری ایرلند تظاهرات همبستگی با زندانیان "بلوک های H" هزاران نفر را در صفوف خود گرد آورد.

دولت محافظه کار انگلیس نسبت به این درخواست ها موضع سختگیرانه ای در پیش گرفت. هامفری آتکینز وزیر بریتانیائی امور ایرلند شمالی پس از اعلام گرسنگی بابی ساندز اعلام داشت "اگر او ترجیح می دهد که دست به خودکشی بزند، اینکار بخود او مربوط است". بابی ساندز پس از ۶۵ روز اعتصاب غذا جان سپرد. پس از او چهار تن از یاران او به نوبت بر اثر اعتصاب غذا جان باختند. تشییع جنازه آنها به تظاهرات باشکوهی برعلیه سیاست سرکوبی مقامات بریتانیائی بدل شد.

اگر مارگارت تاچر و دولت او بابی ساندز و رفقایش را "جنایتکاران حقوق عمومی" قلمداد می کند. آنها برای اقلیت کاتولیک اولستر و برای جنبش ملی مردم ایرلند مبارزان ضد تبعیض و بیکاری عمومی و رزمندگان ضد قانون استثنائی و ترور نیروهای امنیتی به شمار می روند.

مرگ زندانیان لانگ کش موجب برانگیختن خشم و غضب عمومی در ایرلند شمالی و سراسر جهان شده است. "تاچر آدمکش است!"، "به سرکوبی های مقامات انگلیسی در اولستر پایان دهید!" از جمله شعارهائی هستند که در تظاهرات نیویورک، پاریس، استکهلم، دهلی نو و بسیاری از شهرهای دیگر جهان از گلوها فریاد می شوند.

دولت و مجلس شورای اسلامی ایران، نخست وزیر ایرلند چارلز هافی، رهبر کلیسای کاتولیک ایرلند توماس اوفی اچ گروهی از سناتورهای آمریکا، نمایندگان پارلمان ایرلند، فرانسه و هند سیاست انگلیس را در ایرلند شمالی محکوم کردند. باوجود این، مارگارت تاچر در بلفاست اعلام داشت که "هیچ شخصیت مسئول یا مذهبی از من نخواسته است که در وضعیت زندانیان اولستر تغییری بدهم و یا تغییر وضع ویژه ای برای آنها قائل شوم" خانم تاچر و هامفری هاتکینز بارها تأکید کرده اند که دولت به تقاضاهای زندانیان "بلوک های H" تن نخواهد داد.

موضع سخت محافظه کاران موجب تشدید وخامت در اولستر شده است. نظرخواهی روزنامهٔ لندنی سندی تایمز از ۶۴ روزنامه ۲۵ کشور جهان نشان داد که مطبوعات خارجی نسبت به ضد خلقی بودن سیاست مقامات بریتانیا در ایرلند شمالی شدیدا معترض اند. تنها ۵ روزنامه معتقدند که واحدهای انگلیسی باید در اولستر باقی بمانند. ۵۶ روزنامه اعلام داشتند که بریتانیا باید واحدهایش را بدون هیچ قید و شرطی فراخواند. موج اعتراضات نسبت به سیاست امپریالیستی انگلیس در ایرلند شمالی سراسر جهان از جمله خود این کشور را فراگرفته است. طبق نظرخواهی دیلی استار لندن ۶۰٪ مردم انگلیس موافق

بقیه در صفحه ۹

احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و گروه‌ها

جنایت هولناک هفتم تیر ضدانقلاب پرورده آمریکا در توطئه بمب‌گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی موجی از خشم و نفرت در میان سازمان‌ها و جمعیت‌های انقلابی ایران برانگیخت که در زیر ما اعلامیه‌های برخی از آنها را در محکوم کردن این جنایت بزرگ و دعوت مردم و نهادهای انقلابی به هشیاری و مبارزه جدی با ضدانقلاب داخلی و خارجی از نظر خوانندگان می‌گذرانیم.

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران

باز دست جنایتکار آمریکا فاجعه‌ای هولناک به وجود آورد. هنوز مردم ایران از هول توطئه‌ای که جان حضرت حجت‌الاسلام خامنه‌ای را به خطر جدی انداخت بیرون نیامده بودند، که جنایتی بسیار هولناک‌تر رخ داد.

بمبی ده‌ها نفر از بهترین یاران امام خمینی و والاترین خدمتگذاران جمهوری اسلامی ایران و آشتی‌ناپذیرترین دشمنان آمریکا را نابود کرد.

درد و خشم همه مردم ایران به خصوص زنان را در خود پیچیده، چگونه می‌توان جای این بزرگواران و جوانان را پر کرد، چگونه می‌توان بر دل پر درد خانواده‌های آنها مرهم گذاشت؟

گفتار امام خمینی مانند همیشه به همه مردم نیرو بخشید، دلها را قوی کرد، اراده مبارزه را نیرومندتر ساخت و کینه را نسبت به دشمن غدار آمریکا عمیق‌تر و سخت‌تر کرد.

برای ما زنان و مادران، که عمیقاً این داغ بزرگ را در دل و جان خود حس می‌کنیم، یک راه وجود دارد: خدمت و باز خدمت به انقلاب.

ما با اینکه این ضربه هولناک را نمی‌توانیم از یاد ببریم و نخواهیم برد، به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیت اله منتظری و همه رهبران و دولت انقلاب اسلامی ایران تسلیت گفته و تعهد می‌کنیم که شب و روز برای پیروزی این انقلاب، افشاء کردن ضدانقلاب و خنثی کردن اعمال شیطانی آنها کوشش کنیم.

زنان و مادران از آغاز پاسداران انقلاب بودند و در طی سالهای دراز بخصوص این سه سال اخیر باکشته شدن، باشرکت در همه مبارزات این کار را ثابت نموده‌اند.

امروز هم باز در برابر این شهداء گرانمایه و همیشه زنده بار دیگر تعهد می‌سپاریم که از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران همچون عزیزترین عزیزان پاسداری کنیم و از هیچ گذشتی دریغ ننمائیم.

ما دشمن اصلی خلقهای جهان و مردم ایران و بخصوص انقلاب شکوهمند و جمهوری اسلامی ایران را آمریکا می‌شناسیم و تا جان در بدن داریم با آن مبارزه خواهیم کرد و تا محو دشمن از پای نخواهیم نشست.

بااطمینان قاطع به پیروزی انقلاب.

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران

۱۳۶۰/۴/۱۱

حزب دموکرات کردستان ایران
(پیرو کنگره چهارم)

هموطنان!

حادثه دردناک انفجار یکشنبه شب هفتم تیرماه دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران ضربه دیگری است که وسیله ایادی آمریکا به بخشی از گردان‌های انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران زده میشود. این واقعه جانگداز که منجر به شهادت هفتاد و دو تن از نمایندگان مجلس، مسئولین، گردانندگان، دولت و پاسداران انقلاب گردید بدون شک اولین توطئه نبوده و آخرین توطئه پلید ضدانقلاب نیز نخواهد بود. پابه‌پای تعمیق انقلاب و کم شدن نقش لیبرال‌ها سازشکار و تسلیم طلب رسوا شدن گروهکهای مائوئیست آمریکائی و سازمانهای هرج و مرج طلب و منحرف هرآن احتمال ضربات دیگری بر پیکر انقلاب و دولت مردان صدیق می‌رود.

آنچه انکارناپذیر است، تشدید عملیات این گروهک‌ها بعد از برکنای بنی صدر از ریاست جمهوری است، امروز عملا طیف ناهمگونی از عناصر ضدانقلابی وابسته به رژیم سابق گرفته تا لیبرالهای تسلیم طلب و سازشکار، از مائوئیستهای آمریکائی گرفته تا سازمانهای ماجراجو و گروهک‌های وابسته، بوجود آمده که همه هم‌سو در جهت تضعیف و براندازی جمهوری اسلامی در اتحاد نامقدس با هم جوش خورده‌اند.

برای خنثی ساختن اعمال انقلاب بر باد ده گروهکها و سازمانها و مأیوس نمودن امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و برای نقش برآب ساختن توطئه‌های ارتجاع منطقه، وحدت عمل همه نیروهای مردمی طرفدار انقلاب ضروری است. باید از توده‌های میلیونی مردم از سازمان‌ها و احزاب انقلابی چنان وحدت و همبستگی‌ای بوجود آورد که قادر به درهم شکستن همه توطئه‌های امپریالیسم و ایادی داخلیش باشد.

باید از نیروی توده‌های میلیونی مردم نه تنها در خیابانها و میادین بلکه در اداره چرخهای انقلاب نیز بهره گرفت.

باید ریشه‌های نفوذ امپریالیسم را در داخل از بیخ و بن خشکاند. تا روزی که کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ فارغ‌البال به مکیدن خون میلیون‌ها کارگر و دهقان مشغولند، تا روزی که محتکرین و گران‌فروشان بیداد می‌کنند، امپریالیسم جای پا و تکیه گاه‌های مادی محکمی در این کشور خواهد داشت و از این پایگاه‌ها انقلاب و انقلابیون را آماج تیرهای سمی نظیر ترور شخصیت‌ها و جنایات هولناکی همچون حادثه منفجر ساختن دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی قرار می‌دهد. باید باتلاقهای متعفن پرورش استکبار را در داخل که در ارتباط کامل با امپریالیسم‌اند ازبین برد تا ریگان‌ها نتوانند انقلاب را از داخل بوسیله ایادی خود متلاشی سازند.

باید بااجرای قانون اساسی و تأمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای دموکراتیک مدافع انقلاب بهانه را از دست مدعیان دروغین آزادیخواهی بدرآورد، باید با اجرای پیام ۲۶ آبانماه ۵۸ امام خمینی مردم کردستان را از شر باند قاسملو، از شر وابستگان بعث و امپریالیسم نجات داد.

ما ضمن محکوم کردن توطئه خائنانه انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و تسلیت به مردم، صاحبان اصلی انقلاب، به امام امت، بنیانگذار جمهوری اسلامی و همرزمان و بازماندگان قربانیان این حادثه جانخراش خواستار هشیاری و بیداری بیشتر جهت خنثی ساختن توطئه‌های بعدی ضدانقلاب هستیم، خواستار وحدت عمل کلیه سازمانها و نیروهائی هستیم که سرنوشت خود را با سرنوشت انقلاب به هم گره زده‌اند خواستار قاطعیت در برچیدن بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری به نفع توده‌های میلیونی دهقان و کارگر و خواستار شرکت دادن عملی کلیه نیروهای مردمی در دفاع ازانقلاب و در تعمیق و پیشبرد آن هستیم.

باید آگاهانه و متحدا انقلاب کوخ نشینان و مستضعفین را در جهت تأمین منافع واقعی آنها عمق بخشیم انقلابی که در خدمت توده‌های زحمتکش باشد همیشه قادر خواهد بود توطئه‌های رنگارنگ شیطان بزرگ آمریکا و ایادی داخلیش را درهم شکند.

در یگانه راه درستی که انقلاب را به سر منزل پیروزی می‌رساند و به پیش گام برداریم.

کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم)

۱۳۶۰/۴/۹

حزب تودهٔ ایران

جنایت بزرگ ضدانقلاب پرورده آمریکا را به شدت محکوم می‌کنیم
مبارزه تا پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ادامه دارد

هم میهنان گرامی!

یکی از هولناک‌ترین جنایت‌های ضدانقلاب در تاریخ پرتلاطم انقلاب بزرگ مردم ایران به وقوع پیوست. دست توطئه آفرین تبهکارانی که در خدمت امپریالیسم آمریکا خون می‌ریزند و آتش به پا می‌کنند متوجه جان گروه بزرگی از شخصیت‌های مسئول جمهوری اسلامی شد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با نهایت تأسف خبر شهادت گروهی از شخصیت‌های برجسته انقلاب و یاران امام خمینی را دریافت کرد و بلافاصله مراتب تسلیت‌های صمیمانه خویش را حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران ـ قوه قضائیه ـ مجلس شورای اسلامی ایران ـ حزب جمهوری اسلامی ـ آیت الله منتظری و نهادهای انقلابی تقدیم داشت.

همه مردم زحمتکش ایران که به انقلاب شکوهمند خود و تعمیق آن و به تحکیم جمهوری اسلامی ایران چشم امید دوخته‌اند و باتمام جان و روح خویش از آن مدافعه می‌کنند همراه بانهادهائی که جمعی از بهترین مسئولان و اعضاء خود را از دست داده‌اند عمیقا سوگوارند. ولی مردم انقلابی ایران بی‌شک این توان را در خویش خواهند یافت که اندوه بزرگ خود را به خشمی توفنده علیه عمال ضدانقلاب بدل کنند تمام فریادها و تفنگ‌ها را علیه امپریالیسم آمریکا این دشمن اصلی انقلاب ما و سازمان‌دهنده توطئه‌های رنگارنگ براندازی متوجه سازند و خون‌های ریخته شده در این فاجعه بزرگ را وثیقه هشیاری هرچه بیشتر و آمادگی هرچه پرتوان‌تر خویش برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بشمار آورند. حضور بلافاصله توده‌های عظیم میلیونی مردم در کوچه‌ها و خیابانها از همان اولین ساعات روز دوشنبه هشتم تیر، نشان می‌دهد که مردم انقلابی ما مصممند، تا آخر، از انقلاب شکوهمند خویش در برابر تهاجمات و یورش‌های عناصر ضدانقلاب و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا حراست کنند. هرگز این گونه خونریزی‌ها و ترورهای تبهکارانه، بمب‌گذاری‌ها و خرابکاری‌ها، میلیونها مردمی را که به خاطر "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" بپاخاسته‌اند، سرکوب یا منکوب یا مرعوب نخواهد کرد.

واکنش دشمنان انقلاب در برابر پیروزی بزرگ مردم انقلابی ایران، که توانستند، در شکوفائی پیاپی انقلاب خود، ضربه‌های هولناکی بر لیبرالها و سیاست سازش و تسلیم آنها در مقابل آمریکای خونخوار وارد آورند باند بنی‌صدر را از کار برکنار سازند عکس‌العملی شگفت‌آور نبود. دشمنان انقلاب مردم ما نمی‌توانستند شاهد بی‌تفاوت این پیروزی بزرگ مردم انقلابی ایران و نیروهای پشتیبان خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی باشند، نمی‌توانستند دست روی دست بگذارند و ناظر ساده ژرفش و گسترش انقلاب در سمت‌گیری‌های اساسی‌اش گردند. اما ضدانقلاب پرورده آمریکا در برابر هشیاری و توان نیروهای عظیم مردمی انقلاب، قدرت آن نیست که جز به ترور و خرابکاری و بمب‌گذاری دست یازد و جز جنایت و خون ریزی و امحاء جسمی انقلابیون راه دیگری برگزیند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه چهارم تیرماه ۱۳۶۰ خود خاطر نشان ساخت که "جبهه براندازی می‌کوشد با تجدید آرایش قوا، مقدمات تازه‌ای را، چه در زمینه تحریک و تشنج و چه در زمینه خرابکاری، ترور فردی و نظایر آن، فراهم آورد". فاجعه هفتم تیر نشان داد که تا چه اندازه ضرور است که برای حراست ازانقلاب، متوجه این‌گونه شیوه‌های جبهه براندازی مرکب از نیروهای امپریالیستی و عمال و دستیاران آنها بود. ولی این شیوه‌های مذبوحانه که نشانه ضعف و درماندگی کور ضدانقلاب است، نشانه شکست آن نیز هست. ضدانقلاب هرگز با ترور و خرابکاری و بمب‌گذاری و نابودی انقلابیون موفق به نابود کردن انقلاب نخواهد شد. آمریکا هیچ غلطی نخواهد کرد و تمام توطئه‌های آن محکوم به شکست خواهد بود، زیرا که مردم زحمتکش و انقلابی ایران همه نیروهای راستین انقلابی پشتیبان خط امام خمینی، برای دفاع از انقلاب بزرگ خود و دستاوردهای تاریخی ضدامپریالیستی و مردمی آن، برای تعمیق و گسترش آن، چون تن واحد ایستاده‌اند و هرگونه تشبث جنایتکارانه ضدانقلابیون وفریب خوردگان با سد بیداری و هشیاری و یگانگی مردم انقلابی به رهبری امام خمینی برخواهد خورد و درهم خواهد شکست.

پیروزی‌های جبهه انقلاب را تثبیت و تحکیم کنیم.

توطئه‌های جبهه براندازی را در همه اشکال آن خنثی کنیم.

راه را برای تثبیت و تحکیم و گسترش باز هم بیشتر انقلاب هموار سازیم.

اتحاد گسترده همه نیروهای راستین انقلابی را وثیقه نابودی دشمن وظفرمندی انقلاب کنیم.

درود بر شهیدان!
مرگ برآمریکا!
پیروز باد انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران!
برقرار باد جبهه متحد خلق!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۸ تیرماه ۱۳۶۰

تفسیر وقایع مهم جهان

اروپا نگران است

اروپا نگران است و این نگرانی بی پایه نیست. اوضاع جهانی بشدت بحرانی است و هر بحرانی خواه ناخواه بزرگترین تأثیر خود را در اروپا بجای می گذارد. هنگامیکه در دهه گذشته سیاست تشنج زدائی در اروپا، در اثر پافشاری کشورهای سوسیالیستی و درک واقع بینانه برخی از سیاستمداران دور اندیش اروپای غربی برای مدتی نه چندان دراز بکرسی نشست، خلقهای اروپا بالاخره نفس راحتی کشیدند و امیدوار بودند که دیگر اروپا به صحنه جنگ مبدل نخواهد شد. اینک این امیدواری به نگرانی بدل می شود. در دوران کوتاهی که سیاست تشنج زدائی در اروپا حاکم بود، اقتصاد کشورهای اروپای غربی رشد قابل ملاحظه ای یافت بیکاری تا حدودی کاهش پذیرفت. با زگشت به دوران "جنگ سرد" دورنمای تیره ای در برابر چشم زحمتکشان اروپا می گشاید. نارضائی از سیاست ماجراجویانه ای که مقامات حاکم کشورهای اروپای غربی، به پیروی از امپریالیسم آمریکا در پیش گرفته اند، هر روز ابعاد گسترده تری می یابد. نه تنها زحمتکشان، بلکه همچنین بخشی از محافل ذینفوذ اقتصادی و سیاسی کشورهای اروپای غربی درک می کنند که سیاست ماجراجویانه رهبری کنونی آمریکانه تنها علیه دنیای سوسیالیسم وجنبشهای آزادیبخش ملی نیست، بلکه انحصارات آمریکائی، با علم کردن "خطر شوروی"، می خواهند تسلط خود را بر اروپای غربی نیز تحکیم کنند.

کشورهای اروپای غربی، بویژه جمهوری فدرال آلمان و فرانسه که، در بازار مشترک اروپا نقش فائق دارند، حاضر نیستند از سیاست ماجراجویانه ریگان بیچون و چرا پیروی کنند. جو اروپای غربی دیگر سیاست بازگشت به "جنگ سرد" را به آسانی نمی پذیرد. سیاستمداران اروپای غربی در بین چکش و سندان گیر کرده اند. از یک سو سرمایه داری را بمنزله یک نظام اجتماعی در برابر فشار جنبش کارگری داخلی و انقلابهای آزادیبخش ملی در خطر می بینند، چیزی که ناگزیر آنها را به همکاری و همبستگی با امپریالیسم آمریکا، مهمترین پایگاه سرمایه داری جهانی، وادار می سازد از سوی دیگر پیروی از سیاست ماجراجویانه آمریکا نه تنها موجب تشدید این فشار می گردد، بلکه می تواند هستی وموجودیت کشورهای آنان را در خطر نابودی قرار دهد، زیرا در یک جنگ هسته ای ـ موشکی که در اروپا درگیرد (و جنگ آینده ناگزیر چنین جنگی خواهد بود). غالب و مغلوب هرکس باشد (اگر بتوان در چنین جنگی از غالب و مغلوب نام برد)، بهرحال از کشورها و خلقهای اروپای غربی اثری برجای نخواهد ماند. استقرار ۵۷۲ موشک آمریکائی در خاک اروپای غربی، به بهانه رویاروئی با برتری نظامی شوروی در اروپا، دورنمای مرگ اتمی را در چشم خلقهای اروپا زنده می کند. ایستادگی در برابر این سیاست ماجراجویانه موشک نشانی در اروپا چنان ابعاد گسترده ای یافته است که رهبران این کشورها نمی توانند آنرا نادیده بگیرند. در زیر این فشار روز افزون توده هاست که ویلی برانت رهبر حزب سوسیال دموکرات آلمان، حزب حاکم آلمان غربی، برای مذاکره با رهبران شوروی به مسکو سفر کرد.

صلح بزرگترین مساله امروز جهان

سفر ویلی برانت رهبر حزب حاکم آلمان غربی به مسکو در محافل سیاسی جهان انعکاس وسیعی یافت. آلمان غربی در بین متحدان اروپائی آمریکا از موقعیت ویژه ای برخوردار است. آلمان فدرال تنها کشور بزرگ اروپائی هم مرز با کشورهای سوسیالیستی است که ناگزیر در جنگ آینده صحنه عملیات قرار خواهد گرفت. بر آلمانی ها در جنگ گذشته مصائب بیشماری وارد شده است. قسمت اعظم موشکهائی که آمریکائی ها می خواهند در اروپای غربی مستقر کنند، در خاک جمهوری فدرال آلمان مستقر خواهد شد. هرقدر تعداد این موشکها زیادتر باشد، ضربات اتمی که بر آن کشور وارد می شود، نیز سنگین تر خواهد بود. مخالفت با استقرار موشکهای آمریکائی در سرزمین آلمان غربی واقعا مقیاس توده ای بخود گرفته است. رهبری حزب حاکم جمهوری فدرال آلمان نمی تواند این روحیه را نادیده بگیرد. سیاست "دوگانه" رهبری حزب نامبرده در موافقت با استقرار موشکهای آمریکائی و مذاکره با اتحاد شوروی بمنظور نجات سیاست تشنج زدائی، از این وضع سرچشمه می گیرد.

ویلی برانت در مسکو با لئونید برژنف رهبر شوروی ملاقات و گفتگو کرد. در مسکو به ویلی برانت درباره مسئله استقرار موشک های میان برد در اروپای غربی پاسخ صریح داده شد. لئونید برژنف گفت: "ما حفظ صلح را مهمترین وظیفه خود می دانیم. ما از همین فردا حاضریم مذاکره برای محدود کردن مسابقه تسلیحات هسته ای را در اروپا آغاز کنیم. اتحاد شوروی آماده است استقرار موشکهای میان برد خود را در بخش اروپائی کشور، در همان روزی که مذاکرات درباره اصل موضوع آغاز می شود، متوقف سازد، به شرطی که ایالات متحده تعهد کند در جریان این مذاکرات بر تعداد موشک های میان برد خود در اروپا نخواهد افزود".

در دنیای کنونی، که جامعه بشری روی انباری از جنگ افزارهای هولناک نشسته است و یک گام غلط می تواند تمدن انسانی را از کره خاک برافکند، واقعا هم حفظ صلح بزرگترین مسئله جهان است.

هیگ وزیر امور خارجه آمریکا، در یکی از سخنرانی های خود گفت:

"در جهان چیزهائی هست که از صلح مهمترند"!

به عقیده هیگ برای رسیدن به آن چیزهای مهمتر" می توان صلح را زیر پا گذاشت. تمرکز ناوگان آمریکا در سواحل میهنمان نشان می دهد که آن "چیزهای مهمتر" از صلح برای امپریالیسم آمریکا چیست؟ برای یک دزد، جان انسان در برابر انگشتر یا قالیچه گرانبها چه اهمیتی دارد؟ مهمتر قالیچه است و بی اهمیت تر جان انسان. و تفاوت دزد و یک انسان شرافتمند نیز در همین اولویت هاست ونظام های اجتماعی نیز.

چین دستیار آمریکا

سیاست "چیزهای مهمتر از صلح"، رهبران پکن را به دستیاران امپریالیسم مبدل ساخته است.

بدنبال سفر هیگ به پکن، اعلام شد که طرفین درباره گسترش همکاری نظامی به توافق رسیده اند. همکاری نظامی برضد که؟ معلوم است که در وهله نخست برضد اتحاد شوروی. اما ببینیم که این همکاری بدینجا خاتمه نمی یابد. چین، علاوه بر بخش بزرگی از اراضی شوروی و هندوستان، مدعی مالکیت تمام منطقه جنوب شرقی آسیاست. نخستین نتایج نزدیکی رهبران پکن و آمریکا، که از چند سال پیش آغاز شد، حمله بر ویتنام و مداخله در کامبوچیا و لائوس بود. طی سه ماه اخیر ارتش چین در مرز ویتنام به هزار دستبرد وحمله و عملیات نظامی دست زده است. در هرجای جهان جنبشی ضد امپریالیستی روی می دهد، برتری طلبان چینی عمال آمریکا و اسرائیل برای عقیم گذاردن آن جنبش همکاری می کنند. مائوئیستها "جهان سوم" را تیول خود می دانند. شیوه عمل آنها نیز توطئه و دسیسه برای منزوی کردن جنبش های انقلابی از کشورهای سوسیالیستی است. سیاست آنها در این جهت با سیاست امپریالیست های آمریکائی همسوئی و تطابق می یابد. توافق حاصله بین دولت چین و آمریکا در مورد مبادله کردن اطلاعات جاسوسی، قبل از هرچیز برای ضربت زدن بخشهای انقلابی "جهان سوم" است.

روزنامه های کشورمان اطلاع داده اند که "پس از اخراج شاه سرویسهای ویژه (جاسوسی) چین در همکاری فعالانه با "سیا" اقدامهای خود را برای ضربه زدن به جنبش ضد امپریالیستی در ایران و به راه انداختن تحریکات ضد شوروی هم آهنگ کرده اند".

هرچند در اعلامیه هائی که پس از سفر هیگ به پکن منتشر شد، آشکارا به این "همکاری فعالانه" اشاره ای نشده و دلیل آن نیز معلوم است، اما طرفین در مورد افغانستان بصراحت اعلام داشتند که "چین و ایالات متحده در مورد کمک به "مبارزان" افغانی بتوافق کامل رسیده اند". قبلا نیز ریگان صریحا اعتراف کرده بود که آمریکا به باندهای ضد انقلابی افغانی سلاح میدهد در افغانستان سلاح و در ایران بمب، هر کدام عملکرد خودشان را دارند، و آنجا که سلاح و بمب چاره ساز نباشد، بمبهای سیاسی و دیپلوماتیک بکار می افتند. نمی توان انکار کرد که در کاربرد اینگونه بمبها توطئه گران بریتانیائی از همکاران چینی و آمریکائی خود ماهرترند. یکی از اینگونه بمبها را آقای کارینگتون، وزیر امور خارجه انگلستان، در هفته گذشته منفجر کرد، لیکن خوشبختانه به کسی آسیبی نرسید.

پیشنهاد کارینگتون در مورد افغانستان

انگلیسی ها، که تجربه ممتدی در شرق دارند و بویژه به اوضاع این منطقه (در اثر صدها سال حکومت بر هندوستان و سایر کشورها) آشنا هستند، قبل از دیگران به این مسئله پی بردند که "مبارزان" افغانی، مانند تمام ضد انقلابیون دیگری که از کشور خویش رانده می شوند، هرگز شانس پیروزی و بازگشت نخواهند داشت. از ترور وخرابکاری چند گروه مزدور یا فریب خورده نیز بالمآل چیزی عاید امپریالیسم نخواهد شد. در دوران پس از انقلاب اکتبر، انگلیسی ها همین گونه دسته ها را در ناحیه آسیائی میانه مسلح کردند و آنان را بازیچه اهداف پلید خود قرار دادند، اما چند ماهی نگذشت که این دسته های مزدور ریشه کن شدند انقلاب در آسیای میانه پیروز شد و خلقهای این منطقه، که بلحاظ عقب ماندگی در وضعی شبیه افغانستان کنونی بودند، اکنون از برخی جهات، حتی از کشورهای پیشرفته اروپائی جلو افتاده اند.

اوضاع در افغانستان بسرعت روبه ثبات می رود. هرچند خبرگزاری ها و رادیوهای امپریالیستی و در رأس آنها بی.بی.سی، هر روز شهری را به تصرف "مبارزان" افغانی در می آورند و گروهی را به آنان تسلیم می کنند، اما واقعیت آن است که حکومت انقلابی افغانستان توانسته است بر پیامدهای سوء دوران رهبری حفیظ اله امین (پینوشه افغانستان) غلبه کند، اطمینان توده های مردم وبویژه روحانیان میهن دوست را به خود جلب کند، ضد انقلابیون را منزوی کند و به دوران سازندگی پای نهد. پیروزی های چشمگیر افغانستان طی یکسال اخیر جای تردید باقی نمی گذارد که انقلاب در آن کشور برای همیشه پیروز شده است. افغانهای فریب خورده، علیرغم ممانعت شدید پاکستان، دسته دسته به کشور باز می گردند در سال گذشته ۲۰۰ هزار نفر تنها از پاکستان به میهن بازگشتند. حکومت افغانستان دهقانان را از پرداخت وام بهره زمینداران معاف کرده است. اصلاحات ارضی افغانستان ۱۵۰ هزار تن بیش از سال قبل است. در تمام زمینه های دیگر اقتصادی واجتماعی نیز گامهای موثری برداشته شده است. در چنین شرایطی دیگر ضد انقلاب فاقد هر گونه دورنمای سیاسی است. اینرا امپریالیست ها و بخصوص زمامداران لندن نیز بخوبی می فهمند. بزودی مسئله ای بنام "مسئله افغانستان" وجود نخواهد داشت. اما غرب هنوز امید زیادی به توطئه های خود در افغانستان بسته است. امپریالیسم می خواهد از "مسئله افغانستان" برای ایجاد شکاف بین انقلاب ایران و اتحاد شوروی، برای تسلیح پاکستان، برای تیرگی همکاری با چین برضد جنبشهای آزادیبخش ملی، برای تبلیغات درباره اسلام آمریکائی در دنیای عرب بهره برداری کند. از اینجا است که "مسئله افغانستان" باید همیشه وجود داشته باشد و تازه بماند. "ابتکار" کارینگتون، بعنوان رئیس ادواری "بازار مشترک اروپا" از این تلاش امپریالیسم سرچشمه می گیرد.

خلاصه این پیشنهاد آنست که دولت های دیگر بنشینند و درباره افغانستان تصمیم بگیرند و سپس در دور دوم مذاکرات تصمیم خود را به افغانستان ابلاغ و در واقع تحمیل کنند. مسلم است که هیچ خلقی حاضر نیست به چنین رفتار توهین آمیزی تن در دهد. دولت افغانستان اعلام کرده است که اگر امپریالیست ها و همدستان دست از مداخله مسلحانه در امور داخلی افغانستان بردارند، مسئله ای به نام "مسئله

بقیه در صفحه ۱۱

کارنامهٔ...

بقیه ازصفحه ۱

بنی‌صدر هم البته این مقابله ناگزیر بود . بنی‌صدر که آشکارا می‌گفت : "من بزرگترین اندیشه جهان معاصر هستم" (اطلاعات هفتگی — ۱۰ تیر ۱۳۶۰) بدون کمترین شك هیچ‌نظری رانمی‌پذیرفت و هیچ اندیشه‌ای راباورنمی‌کرد ، مگراینکه در چارچوب تفکرات بیمارگونه اوباشد. ازاین رو بود که درعمده ترین مسائل سیاست خارجی و داخلی خط خویش را ، که آمیزه‌ای از تفکرات مائوئیستی — لیبرالیستی (که هردویك آبشخورد ارند) بود، دنبال می‌کرد . این تفکرات با خط ضدامپریالیستی ومردمی امام خمینی همخوانی که نداشت سهل است، با آن درتقابل و تضاد کامل بود.

بنی‌صدر ، که خود راتنها " مجتهد عالم عصر" می‌دانست (ازسخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی — نماز جمعه ۲ تیر ۶۰). درواقع حامل‌نوعی اندیشه مائوئیستی با رنگ اسلامی بود ، درمسائل مذهبی ، شرعی و فقهی هم بناگزیر در برابرخط امام خمینی قرارمی‌گرفت.

کتاب "تضاد و توحید" ، که بنی‌صدر آن را "بزرگترین اثرقرن" می‌داند ، و در واقع کوششی است برای تطبیق مسائل اسلامی باتفکرات مائوئیستی — لیبرالیستی ، درعمل نمی‌توانست درمقابل خط امام ، که دمبدم ازخواست های توده‌های میلیونی خون تازه می‌گیرد و پیوسته روبه ژرفش دارد ، قرارنگیرد .

این تقابل دوخط در اساسی ترین مطالب و درگرهی‌ترین نقاط ، که سرنوشت انقلاب به آن مربوط بود ، بارها و بارها آشکارشد .

دشمن اصلی

درسیاست خارجی و شناخت دشمن اصلی نظریات امام خمینی ، قاطع و روشن بود . این جملات امام اکنون شهره عام و خاص است :

— **همهٔ گرفتاری‌های ما ازآمریکاست .**

— **آمریکادشمن اصلی و شماره یکمردم محروم جهان،شیطان بزرگ قرن است .**

— **آمریکاهیچ غلطی نمی‌تواند بکند .**

— **همه تفنگها و قلمها رابسوی آمریکا نشانه بروید .**

و "بزرگترین اندیشه جهان معاصر" ، درعوض پیوسته برآن بود که نظریه مائوئیستی — امپریالیستی "سه جهان" را اثبات و درنتیجه آمریکا را بعنوان دشمن اصلی از زیر ضربه خارج کند. بنی‌صدر در تمام دوران ریاست جمهوری خود تنها یك بار — آری ، تنها یکبار — از امپریالیسم آمریکا بعنوان دشمن اصلی مردم ایران نام برد و آنهم درلا بلای یکی از کارنامه‌های معروف رئیس جمهور ! امادرمصاحبه ها ، سخنرانی ها — بهترین نمونه آن سخنرانی ۲۲ بهمن ۱۳۵۹ بود — و مقالات ، بنی صدر در طرح نظریه مائوئیستی — امپریالیستی "دوابرقدرت" سخت پیگیربود. به چند مورد ازاین سخنان (که شرح مفصل آن درجای خود خواهد آمد) توجه کنید :

— "مساله خطر تصرف مناطق و حوزه های نفتی ازسوی آمریکا بود وبنابراین اطلاعات ، نوع‌تازه‌ای از تعادل (تعادل) نوامیان دوابرقدرت درمنطقه به وجود خواهدآمدکه اگر او بخواهد این‌مناطق را تصرف کند ، ناگزیر باید "یك مابه ازائی" به رقیب خود بدهد" .

(روزها به رئیس جمهورچگونه‌می‌گذرد ، جلد ۵ ، صفحه ۷۴) .

— "ما و شما (مردم اروپا) نیازهای سیاسی گوناگون داریم. مانیاز بهاستقلال کامل داریم و شمانیز نیاز دارید که ابر قدرت ها حکم خود رابرشماتحمیل‌نکنند . بنابراین شمادرهمکاری باما برای رهاشدن ازسلطه ابرقدرتها . . . درواقع بسود خود و ما و همه عمل می‌کنید" (انقلاب اسلامی — ۷ آبان ۱۳۵۸) .

— "حال اگربخواهیم موقع خود را در قبال دو ابرقدرت روشن کنیم ، باید مان‌گفت که درمیان دوسنگ آسیابی قرارگرفته‌ایم که دیوانه وار درگردش هستند" (انقلاب اسلامی — ۲۲ اسفند ۱۳۵۹) .

— "آمدن اروپا به خاورمیانه بمعنای استقلال‌خاورمیانه از نفوذ ابرقدرت ها است." (انقلاب اسلامی — ۲۵شهریور ۱۳۵۹)

— "دوابرقدرت دشمن‌اصلی ما هستند" (کیهان — ۸ بهمن ۱۳۵۹)

— "آب آمریکا و اروپا و ژاپن از یك جوی نخواهد رفت و من نه تنها نتیجهٔ مطالعات خودم در اقامت طولانی‌ام درآن حدود ، آن معنارامی‌گوید ، بلکه گفته‌من‌این است اگر مانقش فعالی درجهت استقلال داشته باشیم ، قطعا تحولات سیاسی بزرگی دراروپا محتمل است" (انقلاب اسلامی — ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰)

سیاست داخلی - اشغال‌جاسوسخانه

این تقابل آشکار دوخط در سیاست خارجی که ، بقول حجت الاسلام موسوی خوئینی ها ، سبب شد در طول ریاست جمهوری بنی‌صدر آمریکاآرام آرام از زیر ضربه خارج شود و شعارعمومی " مرگ بر آمریکا " فراموش‌گردد ، ضربه‌ای جدی به گسترش انقلاب ایران زد ، که باممانعت از انتخاب وزیرامورخارجه به مدت ۹ماه ، کامل شد.

درسیاست داخلی تقابل خط بنی صدر باخط امام ازاین ، هم آشکارتراست. از آنجاکه در سیاست داخلی برخورد ها مشخص بود ، اکنون نگاه کوتاهی به گذشته نشان می‌دهد که این دو خط چگونه در تضاد کامل قرار داشته اند.

در زمان انتخاب بنی‌صدر به ریاست جمهوری ، فضای سیاسی ایران تحت تاثیر عمل‌انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و اشغال جاسوسخانه آمریکابود.

خط امام دراین باره کاملا آشکار بود. امام خمینی به صراحت گفته بودند :

— "باگرفتن جاسوسها باید بدانند در ایران بازانقلاب است ، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" (۵۸/۸/۱۵)

— "دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی رااشغال کرده‌اند ، با عمل انقلابی‌خود شان ضربه‌ای بزرگ بر پیکر آمریکای جهانخوار وارد نمودند و ملت را سرافراز کردند" (۵۸/۱۲/۵)

— "الان مرکزفساد آمریکا را جوانها گرفتند. آمریکائیها هم که درآنجا بودند گرفتند و این لانه فساد رابدست آوردند و آمریکا هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند" (۵۸/۸/۱۷)

— "جوانان ما باتمام قدرت توجه به توطئه‌ها داشته باشندتا این توطئه‌ها را از بین ببرند. امروز روزی نیست کهما بنشینیم و نگاه کنیم. امروز خیانت های زیر زمینی در کاراست که درهمین سفارتخانه طرح ریزی می‌شود وهمهاش از شیطان بزرگ آمریکاست" (۵۸/۸/۱۵)

وبنی صدرمی گفت :

— "باگرفتن گروگانها ماگروگان آمریکا شدیم". (انقلاب اسلامی — ۵۸/۸/۱۵)

— "آخر شمابعنوان مردم از آنها بپرسید مگراین مملکت دولت ندارد ، و مگر دولت امام نیست. اگر شمادرخط امام هستید سعی کنید درچهارچوب همین دولت عمل‌کنید ، نه اینکه خودتان برای خودتان یك دولت در دولت باشید" (کیهان — ۵۸/۸/۱۷)

— "دانشجویان خود کامه عمل‌میکنند" (انقلاب اسلامی — ۵۸/۸/۲۰)

بنی‌صدر بااین اعتقادات ، اولین کاری راکه بعدازانتخاب به ریاست جمهوری انجام داد ، کوشش برای آزاد کردن "گروگانهائی جاسوس بود . او از جانبی کوشید که درهماهنگی کامل با دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی و لیبرالها اشغال لانه جاسوسی را بی‌اعتبار کند ، و از سوی دیگر بدنبال زد و بندهائی باکارتر ، تمام سعی خود را بکار برد تا "گروگانها"ی جاسوس راتحویل‌بگیرد (شرح کامل مواضع بنی‌صدر در رسالهٔ گروگانهابجای خود خواهدآمد) .

تقابل این دوخط به اینجاانجامید که بنی‌صدرگفت :

— "اگر آمریکا علیه ماتبلیغ نکند ، ما شاید گروگانها رابدست دولت بگیریم ..." (انقلاب اسلامی — ۵۸/۹/۱۰)

واما امام خمینی بافرمان زیرین ، علی‌رغم بنی‌صدر مسأله رابسود انقلاب حل کردند :

— "جاسوسان باید بدست دانشجویان باشدتا مجلس تکلیف آنهارا روشن کند" (۵۹/۱/۱۳)

نهادهای انقلابی

درمورد نهاد های انقلابی ، مواضع روشن امام خمینی بشرح زیرین است :

— "من از سپاه پاسداران راضی هستم و بهیچوجه نظرم برنمی‌گردد. اگر سپاه نبود ، کشور هم نبود . من سپاه پاسداران را گرامی میدارم و چشم من به شماپاسداران است. شماهیچ سابقه‌ای جز سابقه اسلامی‌ندارید" .

امابنی‌صدر نظردیگری داشت :

— "درکجای دنیاسپاه بوجود می‌آورند و بعد می‌آیند می‌گویند شما باید حکومت کنید ؟ وقتی نهادی برای‌مقصود معین ایجادشد و بعدتبدیل به ابزار قدرت شد ، فساد بنیان‌گذاری شده است" (انقلاب اسلامی — ۵۹/۸/۹)

— "اگرازآن روزنخست زورمداری‌وقدرت طلبی و این حس تفوق و حاکمیت را در افراد بوجود نمی‌آوردیم ، خصوصادرسپاهیان به وجود نمی‌آوردیم ، اینگونه عوارض رابه بار نمی‌آورد و این چیزی است که ماباید با آن مبارزه کنیم" (انقلاب اسلامی — ۵۹/۷/۳)

امام خمینی دربارهٔ دادگاه های انقلاب اعتقاد داشتند :

"تمام دادگاه‌های انقلابی درسراسر مملکت باید بقدرت خود باقی بمانند. باید دادگاه‌ها باهمین قدرت باشند" (۱۳۵۹/۴/۳۰)

و نظربنی‌صدر این بود که :

— این دادگاه‌ها قرارنبود تاابد بمانند و بصورت یك کابوس دربیاید وزندگی آرام را از شمابگیرد" (انقلاب اسلامی — ۵۹/۴/۱۶)

امام خمینی درباره کمیته‌ها می‌گفتند :

— "تمام کمیته‌ها درسراسرمملکت باید بقدرت خود باقی بمانند" (۵۹/۴/۱۶)

ولی "بزرگترین اندیشه جهان معاصر" نظردیگری داشت :

— "درشهرها هرکس بساط جداگانه‌ای راگسترده است. آنهاکه باید امام را در رهبری یارو یاور می‌شدند و جامعه‌راآماده در دست گرفتن سرنوشت خویش می‌کردند ، خود به حاکمان جدید مبدل شده‌اند . دادگاه‌های انقلاب عملا درهرکاری دخالت می‌کنند ، کمیته‌ها نیز" (انقلاب اسلامی — ۵ آبان ۱۳۵۸)

انزوا

وقتی لیبرالها بدنبال طرح مسأله" القاء ایدئولوژی" توسط همکاربنی صدر — غضنفر پور — به تبلیغات پیرامون "انزوای ایران" پرداختند ، بنی‌صدر هم باآنها همصدا شد و از جمله گفت :

"ما بااین جنگ منزوی شده‌ایم. من‌علت بزرگ انزوای خودمان راهمین امرمی‌دانم وبه گمان من انتقاد قاطع و ایستادن‌برای‌از بین بردن این اموراساسی ترین راه برای بیرون آمدن از انزوااست" (انقلاب اسلامی — ۱۷ آذر ۱۳۵۹)

و امام خمینی می‌گفتند :

" هیچ قدرتی نمی‌تواند یك ملت را منزوی کند ، گمان می‌کنندعده‌ای که مامنزوی شده‌ایم بواسطه آمریکا . خیرآمریکا منزوی شده" (۱۳۵۹/۷/۲۶)

کودتاچیان

بعد ازکودتای آمریکائی نوژه امام خمینی فرمان دادند :

"تمام کودتاگران بحسب قران حکمشان قتل است. یك استثناء درآن نیست و هیچکس حق ندارد که یك کسی را عفو بکند یاکسی رامسامحه به اوبکند" (۲۸تیر ۱۳۵۹)

و بنی‌صدر این بار نه درحرف ، بلکه درعمل بیشتر از . . . افسرکودتاچی راآزاد کرد و برخی ازآنها رابه مشاغل حساس در ارتش بازکرده اند .

تظاهرات به نفع قطب زاده

وقتی که درآبان ماه ۱۳۵۹ ، صادق قطب زاده دستگیرشد ، جریان وسیع ضد انقلابی درایران علیه خط امام وارد مرحلهٔ تازه‌ای از مبارزه شد . در تهران و چند شهردیگر افراد شناخته شده‌ای به راه‌پیمائی و ایجادبلوا پرداختند . رهبرانقلاب درباره این راه پیمائی هاگفتند :

"من متأسف هستم که این طرح درقم دارد انجام می‌گیرد. اگر بازاری‌قم ، بازاری تهران با این حرف موافق است ، مصیبت بسیار است ، برای این که طرحشان پیاده شده ، واگر بازاری تهران و قم بااین‌موافق نیستند ، چطور صحبتی نکرده‌اند . . . این طور نیست که یکدسته‌ای که در تهران راه‌پیمائی می‌کنند ، در قم راه پیمائی میکنند ، اینها بااشخاص مخالف باشند. اینها ، آنها که کارگردان هستند ، نه آنهائی که بازی خورده هستند ، آنهادنبال این هستندکه اسلام را از بین ببرند" (۱۳۵۹/۸/۲۶)

و بنی صدر گفت :

"من گفتم مقاومت نشان دهید که تسلیم این بازی‌ها نمی‌شوید و مردم مقاومت کردند و نشان دادند که تسلیم این بازی‌ها نمی‌شوند. درتهران و قم و جاهای دیگر اعتراض کردند به این توقیف و اعتراضشان موثر واقع شد." (انقلاب اسلامی — ۵۹/۹/۴)

بقیه درصفحه ۱۱

هفته گذشته در مجلس گفته شد

امپریالیسم آمریکا دشمن قسم خوردهٔ بشریت است ونابودی نهائی از آن اوست

مردم ما همه وهمه از انقلاب حمایت می کنند ، ولی ما هنوز شرمگین هستیم ، زیرا هنوز سرمایه دارانی هستند که غارت می ـ کنند. دربازار پولداران ، انحصارگران و رباخواران خون این مردم را می مکند وبرای حفظ منافع خود به بعضی ازگروههای سیاسی همچون جبههٔ ملی پناه می برند .

مجلس شورای اسلامی ایران درهفتهٔ گذشته پنج جلسه علنی داشت. در این جلسات مواد طرح قانونی دربارهٔ فعالیت احزاب و جمعیت ها وانجمن های اسلامی و صنفی مورد بحث و بررسی قرارگرفت و با اصلاحاتی به تصویب رسید و نمایندگان به وزیر خارجه پیشنهادی ـ مهندس سید حسین موسوی ـ رای اعتماد دادند.

در این هفته همچنین جنایت هولناک بمب گذاری در دفترمرکزی حزب جمهوری اسلامی بارها محکوم و گفته شد که امپریالیسم آمریکا دشمن قسم خورده بشریت است و نابودی نهائی از آن اوست.

درهفته گذشته درمجلس قلع و قمع سرمایه داران بزرگ خواسته شد و از عدم اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی انتقاد گردید.

در اولین جلسه علنی مجلس هفتهٔ گذشته، که روز یکشنبه ۱۴/ ۴/ ۶۰ به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد ، آقای رجائی ، نخست وزیر، مهندس سید حسین موسوی ، سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی رابرای تصدی وزارت امور خارجه به مجلس معرفی کرد .

در این جلسه دکتر موسی زرگر ، نماینده شهریار ، بعنوان اولین ناطق پیش از دستور ضمن اشاره به فاجعه انفجار در دفترمرکزی حزب جمهوری اسلامی ، که به دست عوامل آمریکا صورت گرفت، تأکید کرد:

"دشمنان انقلاب بخصوص آمریکای جنایتکار و ایادی آمریکابدانند که ما برای استمرار انقلاب اسلامی و نجات تمام مستضعفین پیمانی خونین بسته‌ایم".

سرمایه داران کلان باید قلع وقمع شوند

دومین ناطق این جلسه فخرالدین حجازی ، نماینده تهران بود ، که طی سخنانی ، ضمن اشاره به فاجعه اخیر و "شادمانیها" و سخن پراکنی های رادیو صدای آمریکا ، آنرا دلیلی به نقض پیمان آمریکا مبنی برعدم مداخله در امور داخلی ایران ، که دربیانیه الجزایر آنرا متعهد شده بود ، دانست . وی همچنین به بحران اقتصادی و اجتماعی آمریکا و انگلستان اشاره کرد و آن رانشانه تلاشی این دول امپر ـ یالیستی دانست. نماینده تهران در بخش دیگری از سخنانش از دولت خواست که قویتر عمل کند و برنامه‌های ضربتی راا جرا کند. وی افزود :

"درست است که مردم ما همه و همه از انقلاب حمایت می کنند ، ولی ما هنوزشرمگین هستیم ، زیرا هنوز سرمایه دارانی هستند که غارت می کنند. دربازار پولداران ، انحصار ـ گران و رباخواران ،خون این مردم رامیمکند و برای حفظ منافع پلید خود به بعضی گروههای سیاسی همچون جبههٔ ملی پناه می برند. برای قلع و قمع این خون آشامان باید برنامه‌هائی شدید و سریع اجرا کرد . هنوز مالکیت های عمده در این کشور وجود دارد. هنوز نتوانسته‌ایم بند "ج" را اجرا کنیم؟

در این جلسه همچنین مهندس سید حسین موسوی برای تصدی وزارت امور خارجه ازسوی نخست وزیر معرفی شد و پس از سخنان موافقین و مخالفین ، وزارت وی با ۱۲۶ رای موافق به تصویب رسید.

باگسترش انقلاب مرگ استثمارگران فرامیرسد

در دومین جلسه علنی مجلس، که روز دوشنبه ۱۵ تیر ۶۰ تشکیل شد ، بحث برای تصویب مواد طرح قانونی دربارهٔ فعالیت احزاب و جمعیت ها و انجمن های اسلامی و صنفی ادامه یافت.

در این جلسه محمدتقی شاهرخی ، نماینده مردم خرم آباد بعنوان اولین ناطق پیش از دستور، طی سخنانی ازجمله از مسئولان مملکتی خواست که با مسئولین در هرمنطقه درتماس باشند و از دخالت افراد غیرمسئول درامورمملکتی جلوگیری به عمل آورند.

وی دربخش دیگری از سخنانش، ضمن درخواست افزایش فعالیت دادگاهها ، خواستار لغو" قوانین طاغوتی دست و پا گیر" از دادگستری شد.

ناطق دربخش دیگری از سخنان خود از مسئولان خواست که طوری عمل شود که "ما رامتهم به خشونت واستبداد دینی نکنند" و" اگر دشمنان مصرند در اتهام ، ما با گفتار خود و رفتار خود و تبلیغات داخلی و خارجی ، همه را در جریان واقعیات قرار دهیم و دنیا بداند که ما سعی داریم ازراه توسل به زوروخشونت وارد عمل نشویم ودر صورتیکه راهی جز خشونت برای درهم کوبیدن خشونت نبود ، از آن استفاده می ـ شود".

سید عباس میریوسفی ، نماینده مردم کنگاور، یکی دیگر از ناطقین پیش از دستور این جلسه طی سخنانی ، ضمن محکوم کردن واقعه بمب گذاری در دفترمرکزی حزب جمهوری اسلامی خاطرنشان ساخت که :

" اگر این انقلاب گسترش پیدا کند و بتواند خودش رابه توده‌های محروم نشان دهد و اهداف عالی خودش رانشان دهد، آن روز است که مرگ استعمارگران مسلم خواهد شد."

در این جلسه مواد ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۵ طرح قانونی درباره فعالیت احزاب و جمعیت ها و انجمن های اسلامی و صنفی به تصویب رسید ، در این جلسه همچنین ۹ لایحه از سوی دولت تقدیم مجلس شد.

آمریکا دشمن قسم خوردهٔ بشریت است

در سومین جلسه علنی مجلس نیز، که روز سه شنبه ۱۶ تیر ۶۰ تشکیل شد، بحث پیرامون مواد طرح قانونی درباره فعالیت احزاب و جمعیت ها وانجمن های سیاسی و صنفی ادامه یافت .

در این جلسه سید ابولفضل موسوی تبریزی ، نماینده مردم تبریز، یکی از ناطقین پیش از دستور این جلسه بود که طی سخنان کوتاهی ، ضمن محکوم کردن واقعه بمب ـ گذاری در دفترمرکزی حزب جمهوری اسلامی آن راجنایتی هولناک و حساب شده ازسوی آمریکا خواند و گفت که این واقعه سند طرفداری عاملان آن از حقوق بشر است .

آنگاه لطیف صفری ، نماینده مردم اسلام آباد ، طی سخنانی خاطرنشان ساخت که :

" آمریکای جهانخوار وایادی داخلیش که به واقع دشمنان قسم خورده بشریت هستند و باانقلاب ایران بهزانو درآمده‌اند" برای ادامه حیات ننگین خود راه انحراف واخلال راعلیه" مستضعفین " برگزید.

ناطق تحریک و حادثه آفرینی وحمایت از ضدانقلاب داخلی ، محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین را ازجملهٔ این اخلال های آمریکا درانقلاب دانست، که پس از شکست همهٔ اینها " استکبارجهانی . . . به فکرترور شخصیت ها افتاد".

وی آنگاه گفت :

"ای مزدوران آمریکائی ! نه شما و نه اربابان دیوسیرتتان هیچ غلطی نمی توانید بکنید ".

محمد رضاامین ناصری ، نماینده مردم آستانهٔ اشرفیه ، یکی دیگرازناطقین پیش از دستوراین جلسه ، دربخشی ازسخنان خود ، ضمن محکوم کردن واقعهٔ بمب گذاری در دفترمرکزی حزب جمهوری اسلامی ، گفت :

" دشمن غدار تاریخی ماکه در این برهه اززمان درجرثومهٔ شیطان بزرگ آمریکای جهانخوار و گروهک های داخلی وابسته به آن چهره نموده است، پس از آنکه ضعف و ذلت و زبونی خویش را در رویاروئی با انقلاب اسلامی می بیند وبه عیان مرگ خویش را درمی یابد ، دست به ترورهای کور و وحشیانه‌ای می زند که تنها درخور آدم ـ خوارهائی چون اوست".

در این جلسه همچنین آقایان امینی و عالی پور بعنوان ناطقین پیش از دستور سخنانی ایراد کردند.

منافات باروش انقلاب

درجلسه علنی روز سه شنبه مجلس ، هنگام بحث راجع به بند ط مادهٔ ۱۷ طرح قانونی درباره فعالیت "احزاب ، جمعیت ـ ها و انجمن های سیاسی و صنفی "، که احزاب و . . . را ازتبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضله ، منع می کند، حجت الاسلام مجتهد شبستری در مقام مخالفت با بخش دوم این بند ، طی سخنانی ازجمله گفت :

" درکشوری که بحث آزاد راهمخواهان هستند و از رهبرانقلاب گرفته تااشخاص دلسوز انقلاب می گویند که باکسانی کهافکار غیراسلامی دارند ، حتی ماتریالیست ها و مارکسیست ها می خواهیم بحث کنیم وآنها می آیند درتلویزیون مباحثشان رابیان میکنند و ضبط می شود و بنابراین است که اسلام با منطق برخورد می کند باغیراسلام البته منهای توطئه‌های عملی که ممنوعیت آنها دربند های قبلی این ماده ۱۷ به خوبی منظور شده است. . . اگر چه از نظر ماآن فکر مضل است ، اگر آزاد هست ، اگر مجاز هست که از تلویزیون مملکت پخش شود ، قطعا مجاز خواهد بود که کتاب های مربوط به آن هم در دسترس باشد و پخش شود".

وی درادامهٔ سخنان خود خاطرنشان ساخت :

"آن مفهومی که درازهان هست این است که هرکتاب غیراسلامی هرچیزی کهفکر ماتریالیستی درآن باشد ، هرچیزی که فکر غیراسلامی یا منافی بااسلام درآن باشد ، یک چنین کتابی نباید پخش شود. این اصلا باآن روشی که پس از پیروزی انقلاب، مملکت مادر پیش گرفته و دم از بحث آزاد زده و عمل به این بحث آزادکرده و گفته است که می خواهیم منطق داشته باشیم ، منافات دارد.

در این جلسه مواد ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ این قانون به تصویب رسید.

در این جلسه همچنین موادی از طرح قانونی الحاق دادگاههای انقلاب اسلامی به دادگستری ، که بند هائی از آن مورد ایراد شورای نگهبان قرارگرفته بود ، مورد بحث و بررسی قرارگرفت و مادهٔ ۲ آن پس از ارائه پیشنهادهای مختلف به تصویب رسید.

درچهارمین جلسه علنی مجلس که روز چهارشنبه ۱۷ تیر ۶۰ تشکیل شد مواد دیگر طرح قانونی درباره فعالیت احزاب و جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

نابودی نهائی ازآن آمریکاست

اولین ناطق پیش از دستور این جلسه هنجنی ، نمایندهٔ مردم کرج ، طی سخنانی ، ضمن اشاره به حرکت انقلابی مردم ایران درمقابل استکبار جهانی ، آنراحرکتی خواند که مبنای آن ، پیروزی برمستکبران است .

وی دربخش دیگری از سخنان خود یادآور شد که آمریکای جنایتکار باید بداند بادست خودش و افرادی راکه به توطئه و حرکت درمقابل انقلاب ما قرارداد، گورخود راکنده است و درآینده نزدیک باید نابود شود.

ناطق همچنین گفت: " برای رسیدن به پیروزی نهائی شهید می دهیم ، تکه تکه می شویم ، محاصرهٔ اقتصادی می شویم ، ویرانی ها راتحمل می کنیم ، زیرا یقین داریم که بعد از این مصیبت ها و گرفتاریها نابودی از آن آمریکاست".

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود خطاب به مردم کشورهای عربی گفت :

" مانع شما برای پیروزی کامل برصهیو ـ نیسم ، رهبرانی هستند که برشما حکومت می ـ کنند و آب به آسیاب آمریکا می ریزند. این ـ ها (شاه حسین ، شاه حسن ، سادات) نمی گذارند ملت مسلمان برصهیونیسم بین ـ المللی پیروز شود".

در این جلسه مواد ۶، ۱۲، ۱۴ و ۱۶ طرح قانونی درباره فعالیت " احزاب و..." به تصویب رسید.

در پنجمین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی ، که روز پنج شنبه ۱۸ تیر ۶۰ تشکیل شد ، کار بررسی طرح قانونی درباره فعالیت " احزاب و . . . " به پایان رسید واین طرح با برخی تغییرات به تصویب رسید.

نهضت آزادی امتحان خود را داده است

در این جلسه همچنین ابراهیم یزدی نماینده مردم تهران ، بعنوان اولین ناطق پیش از دستور این جلسه سخنانی ایراد کرد

ملازاده ، نماینده مردم گناباد ، یکی از ناطقین پیش از دستور این جلسه بود ، که درآغاز سخنان خود ، بااشاره به اظهارات

بقیه درصفحهٔ ۹

اتحاد مردم
شماره ۸۵ دوره دوم دوشنبه ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۰

تصمیم‌گیری‌های اقتصادی - اجتماعی...

بقیه از صفحه ۱

انقلاب سوم با ایراد ضربات سیاسی و نظامی مهمی به مواضع امپریالیسم، صدام تجاوزکار، ضد انقلاب داخلی و گروهک‌های وابسته به آن آغاز شده است. جبهه این ضربات وسیع و طیف آن گوناگون است.

* ضربات سیاسی ـ نظامی سه هفته اخیر را بر مواضع امپریالیسم، ضد انقلاب داخلی و گروهک‌های وابسته به آن را می‌توان در حوادث اساسی زیرین خلاصه کرد:

۱ـ برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و سپس عزل او از ریاست جمهوری با اتکاء به آراء قاطع مجلس شورای اسلامی، فرمان امام خمینی و حمایت بیدریغ توده‌ها،

۲ـ تشدید حملات نظامی در جبهه‌های جنگ علیه نیروهای تجاوزکار صدام در جنوب و غرب کشور و کسب پیروزی‌های مهم در این دوران، که فرماندهی کل قوا با رهبر انقلاب است.

۳ـ ایراد ضربات جدی و اساسی به گروهک هائی که به جمهوری اسلامی ایران اعلان جنگ داده‌اند.

درست است که امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی نیز، بنوبهٔ خود، با توسل به شیوه‌های تخریبی از جمله بمب‌گذاری و ترور، زیان‌های جدی وارد ساخته‌اند. بویژه حادثه انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی از فجایع بزرگ شمرده می‌شود، که با ابراز هوشیاری می‌توانست اجتناب‌پذیر باشد. امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی می‌توانند این جنایت‌ها را بحساب "پیروزی" خود بنویسند. با این‌حال، جای کمترین شبهه نیست که در زورآزمائی‌های اخیر بین انقلاب و حاکمیت انقلابی به رهبری امام خمینی و تلاش‌های امپریالیستی و ضد انقلابی، پیروزی قطعی با جبهه نیرومند انقلاب بوده است. در وقایع هفته‌های اخیر شکست نیرومند فاحشی به امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی و همدستان آنان وارد آمده است.

امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی خیالبافی‌های زیادی در مورد مرحله کنونی زورآزمائی با انقلاب در سر داشتند. بویژه آنان تلاشهای زیادی برای برانگیختن جنگ داخلی و درهم ریختن اوضاع داخلی ایران بکار برده بودند. با این وجود، انقلاب از این زورآزمائی تاریخی پیروز بیرون آمد، آری، امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی و وابستگان به آنها در هفته‌های اخیر متحمل شکست فاحش شده‌اند. هرچه زمان بگذرد، نتایج این شکست آشکارتر خواهد شد.

نتایج بدست آمده از حوادث هفته‌های اخیر بدرستی موجب خرسندی نیروهای طرفدار انقلاب زمینه برای تعمیق و گسترش انقلاب است. این نتایج نیروهای انقلابی را نسبت به روند آتی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و تحکیم و تثبیت استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی امیدوارتر می‌سازد. با این‌حال ساده اندیشی و اشتباه فاحش خواهد بود، اگر تصور کنیم که با کسب پیروزی‌های سیاسی و نظامی اخیر، با وجود اهمیت فوق العاده‌ای که دارند، پیروزی قطعی و نهائی انقلاب تأمین شده است. پیروزی‌های سیاسی و نظامی اخیر هر اندازه بزرگ و مهم باشند، مادام که به وسیله تحولات بنیادی اقتصادی، اجتماعی همراه نگردند، قادر به تأمین پیروزی قطعی و نهائی انقلاب نخواهند بود.

باید دانست که تحولات بنیادی اقتصادی ـ اجتماعی در جریان انقلاب اهمیتی بیش از پیروزی‌های سیاسی و نظامی دارد. تغییرات بنیادی اقتصادی اجتماعی درون جامعه انقلابی ما، نه فقط کسب موفقیت‌های سیاسی ـ نظامی را تسهیل می‌نماید، بلکه ریشه پیدایش دشواری‌هائی از این قبیل را از میان برمی‌دارد. به همین دلیل است که ما در همهٔ انقلاب‌های پیروز در جهان، شاهد آن بوده و هستیم که پیروزی‌های سیاسی ـ نظامی وثیقهٔ تحولات قاطع بنیادی و زیربنائی اقتصادی ـ اجتماعی قرار می‌گیرد و بنوبه خود چنین تحولاتی به کسب پیروزی‌های جدید سیاسی، نظامی وفرهنگی و نظایر آن می‌انجامد.

کسب پیروزی‌های سیاسی ـ نظامی در مرحله کنونی انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی بار دیگر با تمام نیرو ضرورت پرداختن به تحولات بنیادی اقتصادی ـ اجتماعی سریع و قاطع را مطرح می‌سازد. باید در نظر داشت که در دو سال و نیمه‌ای که از پیروزی انقلاب می‌گذرد متأسفانه از چنین فرصت‌هائی بدرستی استفاده نشده است. بخاطر داشته باشیم که اگر اکنون به تحولات بنیادی زیربنائی نپردازیم چه بسا فرصت بسیار مهمی را از نظر تثبیت و بازگشت ناپذیر ساختن پیروزیهای انقلاب از دست خواهیم داد.

اما آن تحولات بنیادی و زیربنائی اقتصادی ـ اجتماعی که انقلاب ایران بیش از هرزمان دیگری نیازمند تصمیم‌گیری و اجرای آن است، بیش از آن در نظر توده‌های مردم انقلابی شناخته شده، که احتیاج به طرح و توضیح مجدد داشته باشد. در این زمینه، جای کمترین شبهه‌ای نیست که مردم زحمتکش روستائی و شهری ایران اجرای اصلاحات ارضی عمیق در ده، ملی کردن بازرگانی خارجی، تمرکز توزیع عمده داخلی در دست دولت و اجرای بدون وقفه اصول اقتصادی مصوبه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف را تحولات بنیادی اقتصادی می‌شمارند که هرچه زودتر باید به اجراد رآید. همچنین اقدام به ایجاد کار و پرداختن به تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان آموزش و پرورش و تنظیم برنامه‌های اقتصادی کشور، بصورتی که علاوه بر تأمین شغلی و درآمد کافی برای افراد جامعه، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی و سیاسی را د راختیار آنان بگذارد، از خواستها و تحولات بنیادی اجتماعی است که هرچه سریعتر باید از قوه به فعل درآید. جامعه انقلابی ایران، بویژه میلیونها و میلیونها مردم زحمتکش که سنگین‌ترین بار دفاع و حمایت از انقلاب، یعنی جانفشانی در راه انقلاب را برعهده دارند، با بی‌صبری در انتظار چنین تحولات بنیادی هستند.

امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی در چهره‌های گوناگون، در مدت دو سال و نیم پس از پیروزی انقلاب، بطرق مختلف، انقلاب را از پرداختن به مسائل اساسی، که همان تحولات بنیادی اقتصادی ـ اجتماعی به سود توده‌های عظیم مردم زحمتکش باشد، بازداشته‌اند. هدف عمده امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی از این کار آنست که به مردم چنین وانمود کند که گویا انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی واسلامی کنونی قادر به برآوردن خواستهای واقعی آنان نیست، امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی می‌خواهند با ایجاد عدم رضایت در میان زحمتکشان نیروی آنان را وسیله اجرای هدفهای شوم خود در احیاء تسلط مرگبار نظام استکباری و استثماری امپریالیستی گذشته برجامعه ایران قرار دهند. انقلاب باید این حربه امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را بلااثر سازد و با پرداختن به تصمیم گیری‌های اقتصادی ـ اجتماعی عمیق اعتماد راسخ توده‌ها را به جمهوری اسلامی ایران دوچندان نماید.

امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی و وابستگان رنگ برنگ آن فرصت‌های زیادی را برای اجرای تصمیمات بنیادی اقتصادی ـ اجتماعی، از دست انقلاب گرفته‌اند لیکن، بکوری چشم آنان انقلاب در روند خود مساعدترین شرایط

بقیه در صفحه ۶

استقلال

استقلال عمده ترین هدف انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران است. در مقایسه با آزادی، که یکی دیگر از اهداف عمده انقلاب است، باید همواره به این نکته توجه داشت و توجه داد که بدون استقلال، آزادی ممکن نیست، با استقلال است که آزادی ممکن و قابل تحقق است.

هرگاه آمریکا (ویا یکی دیگر از دولت‌های امپریالیستی) برکشوری مسلط گردد، طبعا و قهرا ریشهٔ آزادی را نیز در آن کشور خواهد زد، نظامی پلیسی ـ نظامی خشن در آن کشور برقرار خواهد ساخت.

این حقیقتی است که آنرا ما خود در دوران حکومت سلطنت مطلقهٔ پهلوی‌ها آزموده‌ایم. این حقیقتی است که تمام خلقهای زیر سلطهٔ امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، آزموده‌اند. هیچ کشوری در جهان یافت نمی‌شود که زیرسلطه دولت‌های امپریالیستی باشد، استقلال آن سلب شده باشد و در عین حال آزادی در آن باشد. با استقلال است که آزادی ممکن می‌گردد و نه برعکس.

اینکه لیبرالها، همصدا با ضد انقلاب، زیر شعار "آزادی" برای سازش با آمریکا، برای صاف کردن جاده بازگشت آمریکا، به مبارزه پرداختند، در واقع برای زدن ریشه آزادی نیز دست بالا زدند. دولت "میانه رو و معقولی" که ریگان‌ها در آرزوی استقرار آن در ایران بدست لیبرالها هستند، چیزی نیست جز پلی برای استقرار یک حکومت نوع فاشیستی.

البته آزادی‌ها و حقوق مردمی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبیین و تعیین و تصریح شده‌اند، یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب شکوهمند خلق قهرمان ماست، که آنرا باید همچون مردمک دیده حفظ کرد و با قاطعیت اجرا نمود، زیرا بدون این آزادی‌ها و حقوق مردمی رشد کشور ممکن نیست. ولی این بدان معنی نیست که آزادی مقدم و مرجح بر استقلال است، چرا که فقط به برکت استقلال، آزادی‌ها و حقوق مردمی قابل تحقق است.

پس بدون کم بها دادن به ارزش بزرگ آزادی‌ها و حقوق مردمی، که مایه رشد نیروی خلاقه خلق برای ساختمان ایرانی از هر جهت مترقی و پیشرفته به شمار می‌آیند، باید توجه داشت و توجه داد که هدف عمده مبارزه، محور اصلی مبارزه، مبارزه در راه استقلال تام و تمام، استقلال در همهٔ عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، و همه دیگرعرصه‌ها است.

استقلال یعنی قطع نفوذ امپریالیسم، قطع هرگونه وابستگی از امپریالیسم، که در اطلاعیه مورخ ۱۲ تیرماه ۱۳۶۰ دفتر امام، بدرستی در این جمله فشرده، همه فهم و پر مضمون بیان شده است:

"استقلال یعنی قطع نفوذ کامل آمریکای جهانخوار".

امپریالیسم آمریکا سرکردهٔ امپریالیسم جهانی است. آمریکا توانگرترین، حیله گرترین، غدارترین، تجاوزگرترین، جنایتکارترین غارتگرترین نیروی امپریالیستی جهان امروزی است. ما با چنین دشمنی درگیر نبردی سرنوشت ساز هستیم. ما براساس رهنمود امام خمینی **"نباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم، ما در جنگ با آمریکا و تفاله‌های آمریکا"** هستیم. این جنگ قبل از پیروزی انقلاب جریان داشت، بعد دو سال ونیمی که از نخستین مرحله پیروزی انقلاب (براندازی رژیم خونخوار و وطن فروش "آریامهری") می‌گذرد، بشدت و به صورت‌های مختلف، هم در جبهه خارجی (در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی، تجاوز نظامی طبس، تهاجم نظامی صدام) و هم در جبههٔ داخلی (در برابر توطئهٔ خونین باند قاسملو در کردستان، شورش "خلق مسلمانیها" در تبریز، کودتای نوژه، انواع دیگر بلواهای خونین، "خط برژینسکی" لیبرال‌ها، توطئه بنی‌صدر، که پرچم‌دار تمام "تفاله‌های آمریکا" شد) ادامه داشته است و در آینده نیز برای مدت درازی ادامه خواهد داشت.

این جنگی است حیاتی ومماتی هدف این جنگ برای ما در جبههٔ خارجی، امروزه، در درجهٔ اول شکستن تهاجم نظامی جنایتکارانه صدام، خنثی کردن و عقیم کردن توطئه‌های خارجی آمریکا ومتحدان اوست. ودر جبههٔ داخلی سرکوب شبکه ضد انقلاب متشکل و" قطع ریشه‌های فاسد انحرافات داخلی" است، که در اطلاعیه یاد شده دفتر امام "انقلاب سوم" نامیده شده است.

این "انحرافات داخلی" همه مستقیم و غیرمستقیم، خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته، آمریکائی و مرتبط با آمریکاست.

خط سیاست داخلی این "انحرافات داخلی" جنجال بر سر "آزادی" بود، تا استقلال فراموش شود و در سیاست خارجی، چنانکه امام اشاره کردند، "خط این بود که آمریکا اصلا منسی (فراموش) بشود، یکدسته شوروی را طرح می‌کردند تا آمریکا منسی بشود... خط این بود که این قضیه مرگ بر آمریکا منسی بشود" وبدین وسیله راه بازگشت آمریکا و باز پس گرفتن استقلالی، که با انقلاب ۲۲ بهمن تحصیل شده، هموار گردد.

اینک با آغاز "انقلاب سوم"، آرایش نیروهای رزمندهٔ در جبههٔ انقلاب و نیروهای جبهه ضد انقلاب، بیش از هرزمان دیگر، مشخص شده است. این خود یک پیروزی است که "تداخل" نیروهای انقلابی و ضد انقلابی از میان برداشته شده و می‌شود. عمده‌ترین هدف و عمده ترین محور مبارزه، یعنی استقلال و مبارزه در راه آن، بیش از هرزمان دیگر برجسته و مشخص شده است. به همین دلیل نیز می‌توان با اطمینان گفت که در این نبرد حیاتی ومماتی با آمریکای جهانخوار، پیروزی خلق انقلابی قهرمان، به رهبری امام خمینی، قطعی است. با اطمینان می‌توان گفت که با پیروزی "انقلاب سوم" راه دستیابی به پیروزی قطعی و نهائی انقلاب هموار می‌شود.

مردم قهرمان...

بقیه ازصفحه ۳

بافراخواندن فوری واحد های بریتانیا از ایرلند شمالی هستند. این عقیده در بیانات آنتونی ودوودبن شخصیت برجسته حزب کارگر ولئوآیس نماینده این حزب در پارلمان چنین انعکاس یافته است: "اکنون وقت آن است که به این واقعیت تلخ اذعان کنیم که اولستر آخرین مستعمره ماست. و درست به موقع است که به روند استعمارزدائی تن دهیم".

بازتاب بین المللی تراژدی اولستر و تمایل اکثریت مردم انگلیس در پایان بخشیدن به این بحران، کابینه محافظه کاران را به تلاش برای سازش برانگیخته است. به شهادت رویدادها دیگر سیاست توسل به نیروی نظامی و ندیده گرفتن حقوق اقلیت کاتولیك آینده ندارد.

در پایان مه گذشته یك سخنگوی ارتش زیرزمینی، به خبرنگار خبرگزاری رویتر در بلفاست اعلام داشت که "ارتش جمهوریخواه ایرلند آنقدر سلاح و نفر در اختیار دارد که اگر لازم باشد ده سال دیگر بجنگد".

با این همه خانم تاچر استفاده از گلوله های پلاستیکی و توسل به حربه زندان را به سازش سیاسی ترجیح می دهد. زیرا همانطور که در لندن تأیید شد اعتراف به اینکه زندانیان لانگ کش "جنایتکاران حقوق عمومی" نیستند، زندانیان سیاسی اند نه تنها باعث از دست رفتن آبروی بریتانیا می شود که خود را در انظار جهانیان "دژ دموکراسی غربی" معرفی کرده بلکه حق جمعیت کاتولیك به مبارزه سیاسی برای وحدت دوباره اولستر با جمهوری ایرلند را به رسمیت می شناسد. در عین حال این امر اعتراف به این واقعیت است که دوبلین درباره مسایل ایرلند شمالی حرف خود را دارد و بطورغیرمستقیم تبعیض اجتماعی و اقتصادی کاتولیك ها را که طی دهها سال توسط محافل دولتی بلفاست و لندن اعمال می شود، محکوم می کند.

هنگام دیدار مارگارت تاچر از بلفاست، ارقام رسمی درباره تعداد بیکاران در اولستر منتشر شد. عده بیکاران برای جمعیت ۱/۵ میلیون نفری آن بیش از ۱۰۰ هزار نفر یعنی ۱۷/۶٪ جمعیت فعال است. بعلاوه، بیکاری میان کاتولیك ها دوبار بیش از پروتستان ها است. جوانان جویای کار بسیار زیادند. اکونومیست لندن در این باره می نویسد: "افراد مسلح توسط جوانان بیکار مورد تعقیب و حمله قرار می گیرند". باوجود این، کابینه محافظه کاران درحالی که دائما از هزینه های رشد صنعت ملی و نیازهای اجتماعی می کاهند از صرف هزینه برای ساختمان سربازخانه ها دریغ ندارند.

لندن توسعه حضور نظامی خود را در اولستر انکار می کند. منظور از این افکار معلوم است. آنها مدعی اند که از ۱۹۷۲ تعداد واحد های انگلیسی به نصف تقلیل یافته و از ۲۲ هزار به ۱۱ هزار سرباز و افسر کاهش یافته است. اما بگفته وزیر بریتانیائی امور ایرلند شمالی در همین مدت تعداد پلیس از ٤ هزار نفر به ۷ هزار نفر افزایش یافت. علاوه بر این واحد های دفاعی اولستر که نقش کمکی دارند دو برابر شده و از ۷۰۰ نفر به ۷۵۰۰ نفر رسیده است. باتوجه به ذخیره پلیس (٤۷۰۰ نفر) مجموع نفرات مسلح ایرلند شمالی امروز ۳۰ هزار نفر است.

چرا کابینه تاچر به حضور نظامی انگلیس در ایرلند شمالی ادامه می دهد و بر تعداد آن می افزاید. پیداست که از همه وسایل برای مخفی نگاهداشتن هدف های استراتژیك این اقدام استفاده می شود. هفته نامه اکونومیست لندن در یك سرمقاله تحت عنوان "پلی بسوی ایرلند" مضمون آن را فاش کرده است. این هفته نامه از گرایش هائی که در درون قدرت حاکمه لندن وجود دارد پرده برمی دارد. بنظر می رسد که تقسیم مصنوعی جزیره که به مردم ایرلند تحمیل شده دیری نخواهد پائید. از این رو حاکمان لندن شروع به بررسی وحدت احتمالی دوباره این سرزمین براساس "پیوند جدید و تنگاتنگ" بریتانیا کرده اند.

این "پیوند تنگاتنگ" باید براساس برنامه حل مسأله ایرلند شمالی که لندن آن را تدوین کرده تأمین شود. طبق این برنامه ساکنان اولستر عنوان شهروندی بریتانیا را حفظ خواهند کرد. یك شورای دائمی انگلیسی بوجود خواهد آمد که همه مسایل سیاسی اعم از روابط خارجی تا اجرای قانون اساسی جدید را تحت کنترل خواهد داشت. این برنامه عضویت ایرلند را در سازمان پیمان آتلانتیك شمالی پیش بینی می کند. اکونومیست در این باره می نویسد: "بریتانیای کبیر نمی تواند جناح غربی خود را بخطر اندازد. ایرلند باید مسئولیت های دفاع از تمام جزیره را محتملا در چارچوب پیمان دفاعی با بریتانیای کبیر برعهده گیرد.

لندن باسود جستن از تراژدی اولستر به عنوان وسیله ای برای فشار بر دوبلین نه تنها تلاش می کند مواضع اقتصادی و سیاسی اش را در ایرلند شمالی تحکیم بخشد بلکه باز نفوذ ش را در همه جزیره توسعه دهد و حوزه جدیدی برای توسعه طلبی پیمان آتلانتیك فراهم آورد.

تاریخ به وضوح نشان می دهد که امپریالیسم بریتانیا طی قرن ها بهمان حال تجاوزگر و خونخوار باقی مانده است. اگر در گذشته گلوله های سربی بکار می برد، امروز بهمان منظور از گلوله های پلاستیکی استفاده می کند. آری، اسلوب ها عوض می شوند، اما هدف ها تغییر نمی یابند.

طرح قانونی...

بقیه ازصفحه ۱

بررسی و تصویب "طرح قانونی فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی" فرصت مناسبی بود، تا به این مهم جامه عمل بپوشاند و در شرایط یورش همه جانبه دشمن، همه امکانات را برای تجهیز نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و تأمین اتحاد آنها فراهم آورد.

چارچوب اصولی این طرح را قبل از بررسی آن در مجلس شورای اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمود های صریح امام خمینی، تصویب نامه شورای عالی قضائی و اطلاعیه ۸ ماده ای دادستان کل انقلاب اسلامی، معین ساخته وجوانب اصلی آنرا روشن کرده بودند. در واقع مجلس شورای اسلامی مصالح حاضر و آماده ای در اختیار داشت وبه سهولت می توانست به تعابیر متفاوت و ای بسا شخصی و غیرمسئولانه از فعالیت "احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی" پایان دهد و آزادی را برای مدافعان انقلاب وجمهوری اسلامی ایران — آنگونه که شایسته انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی واسلامی ایران است — تأمین و تضمین کند.

اما متأسفانه، برخی مواد در طرح قانونی مصوب مجلس شورای اسلامی — بویژه ماده ۱٦ — آنچنان مبهم و قابل تفسیراند که به سادگی امکان سوء استفاده را برای محدود کردن فعالیت نیروها واحزاب مدافع انقلاب وجمهوری اسلامی ایران باقی می گذارند. اگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل را برآزادی گذارده وآنرا در چارچوب معین مصالح انقلاب قرار داده است، قانون مصوب از میان محدودیت ها، شروط کشدار، مبهم و قابل تفسیر، راه بسوی آزادی می گشاید و در واقع آزادی را به امری فرعی بدل میسازد.

این عوامل، به امر حیاتی وحدت نیروهای انقلابی در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن، لطمه جدی می زند، به نفاق افکنان و تشنج فزایان امکان می دهد تا در صفوف خلق تخم تفرقه بپاشند، و به دشمنان انقلاب، که زیر لوای "آزادیخواهی" علیه انقلاب توطئه و تحریك می کنند، امکان می دهد، تا همچنان سلاح خویش را حفظ کنند.

برخی از مواد در طرح قانونی مصوب مجلس شورای اسلامی در مورد "فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی" باروح قانون اساسی ورهنمود های صریح امام خمینی، مغایراست و بدینجهت تأسف و نگرانی نیروهای انقلابی را برانگیخته است.

ما از شورای نگهبان قانون اساسی انتظار داریم که آن موادی از طرح مصوبه را که با قانون اساسی مغایرت دارد، مردود شمارد. بدون تردید اینکار به سود انقلاب است.

بقیه ازصفحه ۷

مجلس شورای اسلامی ...

ابراهیم یزدی، که به عنوان اولین ناطق پیش از دستور این جلسه سخنانی ایراد کرده بود، گفت:

"دوران نهضت آزادی سپری شده است، شما امتحان خود را دادید. بگذارید دیگران هم امتحان خود را بدهند".

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به وقایع اخیر در سطح کشور، یادآور شد که خشونت ما به خاطر نفس خشونت نیست. ناطق آنگاه گفت:

"اعمال قدرت ما به خاطر اهداف مقدسی است که برای آن انقلاب کرده ایم ... ما به خاطر تحقق عدالت فرهنگی، سیاسی واجتماعی توده های مردم جهان مبارزه می کنیم".

در این جلسه همچنین حجت الاسلام خلخالی نماینده مردم قم، بعنوان ناطق پیش از دستور، در سخنان کوتاهی، ضمن اشاره به اعلام مواضع "نهضت آزادی" در ارتباط با وقایع اخیر، آنرا کلی گوئی خواند و یادآور شد که در این اعلامیه هیچ اشاره ای به این که این توطئه ها بدست چه کسانی صورت گرفته نشده است.

ناطق سپس به حادثه بمب گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت:

"این توطئه نبود، یك کودتا بود".

ناطق آنگاه، ضمن اشاره به افزایش حملات آمریکا و رسانه های گروهی غربی علیه انقلاب، خاطرنشان ساخت که مردم باید برای مقابله با این حملات، یکپارچه در انتخابات شرکت کنند.

آنگاه مجلس وارد دستور شد. در این جا اعتبارنامه سید هادی حسینی خامنه ای، نماینده مردم فریمان مطرح شد و مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت. سپس مجلس کار خود را در زمینه بحث و بررسی مواد دیگر طرح قانونی درباره فعالیت "احزاب و..." آغاز کرد. پس از بحث و ارائه پیشنهاد های مختلف در مورد مواد باقی مانده این طرح، ماده ۷ آن مورد تصویب قرار نگرفت و ماده ۲۱ این طرح از تصویب نمایندگان گذشت. در اینجا پیشنهاد آیت درباره الحاق یك ماده دیگر به این طرح قانونی مطرح شد. این پیشنهاد، که احزاب و... را موظف می ساخت تعداد ومشخصات اعضا خود را به اطلاع کمیسیون ماده ۱۱ این طرح برسانند، پس از سخنان موافق و مخالف به رای گذاشته شد، که مورد تصویب قرار نگرفت.

آنگاه کل این طرح قانونی که اینك پس از تغییراتی در آن، به ۱۹ رای تقلیل یافته است، به رای گذاشته شد، که با ۱۱۱ رای به تصویب رسید.

در این جلسه همچنین طرح یك فوریتی بودجه مطرح شد و پس از گزارش کمیسیون مربوط بحث در مورد آن به جلسه بعدی مجلس موکول شد.

بقیه ازصفحه ۸

تصمیم گیری های ...

ممکن را برای اجرای این تحولات بوجود آورد ماست. با تصمیم گیری های اقتصادی — اجتماعی در سطح انقلاب سوم، بهانجام این تحولات بپرداز یم وانقلاب عظیم وشکوهمند مردم ایران را برسنگ خارای تثبیت قطعی و شکست ناپذیری متکی سازیم این است درس اساسی که باید از وقایع اخیر گرفته شود.

---

۹۳ میلیون دلار کمك ریگان به ضد انقلابیون افغانستان

دولت ریگان ۲۱ میلیون دلار دیگر به ضد انقلابیون افغانی تخصیص داده است، که از خاك پاکستان به عملیات خرابکارانه علیه رژیم قانونی افغانستان دست می زنند. این خبر از سوی وزارت خارجه آمریکا پخش شد. بگزارش "یو. پی. آی"، در سال مالی کنونی کمك آمریکا به باصطلاح "پناهندگان افغانی" به ۹۳ میلیون دلار خواهد رسید.

آمریکائی ها در اردوگاه های مستقر در خاك پاکستان به آموزش مزدوران افغانی اشتغال دارند، که به کشتار زنان، کودکان و پیران و دیگر اقدامات جنایتکارانه و تخریبی علیه مردم افغانستان مبادرت می ورزند.

پشتیبانی امپریالیسم از بازماندگان خلق کش پول پوت

کشورهای هند وچین اندیشه برگزاری به اصطلاح "کنفرانس بین المللی" را درباره کامپوچیا رد کردند. وزیران خارجه ویتنام، لائوس و کامپوچیا، در اعلامیه ای مشترك، که بعنوان سند رسمی در سازمان ملل متحد پخش شد، یادآور می کردند که چنین کنفرانسی "نقض فاحش استقلال وحاکمیت جمهوری خلق کامپوچیا" وبمنزله پشتیبانی از بازماندگان رژیم خلق کش پول پوت خواهد بود.

در این اعلامیه آمده است که چنین کنفرانسی تنها بسود برتری جویان چین و امپریالیست های آمریکا تمام خواهد شد.

درباره شوراهای ده و وظایف عمده آنها

به منظور پیشبرد سریع برنامه‌های اقتصادی ـ اجتماعی در سطح کشور و مشارکت فعال مردم در تعیین سرنوشت میهن خویش، اصل شوراها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منظور شده است.

روستاهای محروم میهنمان نیز نباید از این موهبت بی بهره بمانند و نمانده‌اند. تشکیل شوراهای ده جهت رسیدگی به مسائل مختلف تولیدی و معیشتی و عمرانی و حل معضلات روستائیان و کشاورزان تا بدان حد لازم بوده است که هم‌اکنون، به حکم ضرورت، در نزدیک به بیست هزار روستا شورا تشکیل شده است، که البته همه در سطح یکسانی قرار ندارند.

شوراهای روستائی نقش بسزائی در بهسازی وضع نابسامان روستاهای کشور و سازمان دادن بهتر تولید و رفاه حال زحمتکشان روستا دارند. این شوراها زمانی می‌توانند نقش مثبتی ایفا کنند که از اختیارات کافی ومقدورات مالی وفنی برخوردار باشند و بمثابه ارگان محلی حاکمیت انقلابی مردم در جمهوری اسلامی ایران، در راستای انقلاب و تأمین خواستهای روستائیان زحمتکش گام بردارند.

تلاش در راه پی ریزی نهاد انقلابی شورا در روستاها

طبق آمار منتشر شده از سوی نهادهای انقلابی، هم اکنون از جانب هیئت‌های واگذاری زمین، ۱۵۳۱۸ و جهاد سازندگی ۲۶۴۴ شورا در روستاهای مختلف تشکیل شده است. البته این تعداد نسبت به **تعداد کل روستاهای کشور نزدیک به یک سوم** را تشکیل می‌دهد و لازم است که از جانب مسئولین و بویژه نهادهای انقلابی نسبت به تشکیل شوراها در همه روستاها همت به خرج داده شود، بویژه که اجرای وظایف اصلی این نهادها، بدون حضور وفعالیت و مشارکت آگاهانه شوراهای ده، اصولا امکان پذیر نیست.

امروز، این وظیفه سترگ بر دوش ارگان ـ های دولتی، نهادهای انقلابی و در درجهٔ اول خود زحمتکشان روستاست، که آستینها را بالا بزنند، دست در دست یکدیگر بدهند و شوراها را در آن دسته از روستا ـ هائی که فاقد این نهاد مهم هستند، پی ـ ریزی کنند.

ارگانهای دولتی و بخصوص نهادهای انقلابی، ازجمله جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و هیئت‌های واگذاری زمین، نباید در امور ایجاد شوراهای روستائی مسامحه روا دارند. برعکس باید از تجربهٔ مثبت وغنی خود بهره گیری کنند و هر چه جدی تر و مردمی تر به دهقانان یاری دهند تا شورای ده را ایجاد کنند. این نهادها موظفند در جهت ایجاد شورا کمک‌ها و همکار ـ یهای لازم را با روستائیان مبذول دارند و جنبه رسمی و قانونی به شورا بخشند و آن را با اختیارات کافی مجهز نمایند. این مساعدت و همکاری نهاد در زمینه ایجاد شورا در روستا ـ ها خلاصه نمی شود، بلکه لازمه تحقق بخشیدن به رشد وشکوفائی اقتصاد کشاورزی و رفاه حال روستائیان زحمتکش، تقویت و تحکیم دلسوزانه و پیگیر شورای تشکیل‌شده و نظارت و کوشش برای مردمی کردن شوراست.

نباید گذاشت عناصر طاغوتی و وابسته به ارباب و خان و واسطه در شورا راه یابند. تجربه نشان می دهد که تنها بسنده کردن به ایجاد شورا در روستا گره چندانی از مشکلات روستائیان نمی گشاید و تأمین مشارکت فعال وآگاهانه توده‌های دهقان زیر رهبری شورای ده، اصل اساسی حیات بخش و زندگی آفرین شوراست. اگر در چند مورد این امر بچشم می خورد که نهاد ـ های انقلابی، نسبت به همکاری با شورای فلان روستا بی توجهی بخرج می دهند، در عوض صدها مثال مثبت می‌توان ذکر کرد، که حاکی از حمایت موثر نهادها از شورای ده است. بی شك این همکاری باید متقابل باشد و روستائیان زحمتکش موظفند همکاری ـ های لازم را با ارگان‌های متعهد دولتی و نهادهای انقلابی بکنند. چگونگی ونحوه همکاری و کمك ارگانهای دولتی ونهاد ـ های انقلابی، تنها به موارد کلی روشهای اصولی محدود نمی شود، بلکه در پیوند با خواستهای مبرم و معضلات روستائیان و مسائل معین و ویژه هر ده، بطور کاملا مشخص و ملموس مطرح می گردد.

عمده وظائف شوراهای ده

در برابر شورای روستا و نمایندگان منتخب روستائیان وظایف مهم و پرشماری قرار دارد. شورا باید باتکیه به خواستها و شناخت های خود دهقانان، با دلسوزی مسائل و مشکلات روستائیان زحمتکش را در عرصه های مختلف مورد پیگیری قرار دهد و در جهت گره گشائی این مشکلات با ارگان ـ های دولتی و نهادهای انقلابی تماس بر قرار کند، از آنها سود جوید و با انجام اقدامات مفید، دین خود را به روستائیان ادا نماید، و بویژه نقش اساسی خود را در سازماندهی تودهٔ دهقانان ده بخاطر اجرای برنامه‌ها و تحقق خواستها و رفع مشکلات ایفا کند.

شورای ده بعنوان یك نهاد انقلابی در میان زحمتکشان روستا شناخته شده است هرگونه اقدام درست و نادرست شورا، تأثیر عمیق مثبت و منفی در روستائیان از خود به جا می گذارد. پس شورای روستا باید در تمام عرصه‌های فعالیت خویش مسئولانه وبا جدیت برخورد کند، خصلت مردمی خویش را عمیقا حفظ کند، در راستای تحکیم انقلاب عمل کند و در هر گام به توده روستائیان متکی باشد.

بطورکلی، در حال حاضر، چهار مسئله عمده و مهم در برابر شوراهای ده قرار دارد، که شوراها موظفند نسبت به حل آنها اقدام کنند. این مسائل عبارتند از:

ـ مسئله زمین و اجرای قانون واگذاری زمین یا اصلاحات ارضی بنیادی به سود دهقانان تهیدست، که بویژه از راه اجرای بند های "ج" و "د" قانون موجود می‌تواند حل شود و خود شالوده حل کلیه مسائل دیگر است،

ـ برطرف کردن مشکلات موجود در کار کشاورزی و امر تولید،

ـ تأمین امکانات معیشتی، عمرانی، درمانی و فرهنگی برای روستائیان،

ـ سرانجام فعالیت شورا در جبهه و پشت جبهه برای تحکیم جمهوری اسلامی ایران و تأمین استقلال میهن انقلابی.

فعالیت شورا در زمینه مسئله زمین و قانون اصلاحات ارضی

در حال حاضر، دهقانان تهیدست، که معمولا کلیه دهقانان بی زمین وکم زمین را با این نام می‌خوانند، جمعیت عظیمی در جامعه روستائی ایران محسوب میشوند. این توده عظیم در به ثمر رسانیدن انقلاب شرکت فعال داشتند و هم اکنون نیز، علی ـ رغم مشکلات و نارسائی های موجود، علیرغم توقف اجرای بند های "ج" و "د"، که عمده ترین مسئله را تشکیل می دهد، در دفاع از دستاورد های انقلاب مردانه پای می فشرند و در نبرد در جبهه و پشت جبهه در سنگر و کشتزار جانبازانه و خستگی نا ـ پذیر فداکاری می کنند. نقش شوراهای ده در این شرایط، در زمینه مسئله زمین وقانون اصلاحات ارضی، بسیار حساس و سنگین است. به غیر از تعیین دو تن نمایندگان دهقانان تهیدست در هیئت های واگذاری زمین، که چه بسا در موارد عدیده‌ای این دو تن از جانب شورا برگزیده شده‌اند یا از اعضای شورا هستند، وظائف دیگری نیز در این باره در برابر شوراهای ده قرار دارد که اهم آنها عبارتند از:

ـ همکاری تنگاتنگ با هیئت ها از طریق سرشماری تعداد دهقانان بی زمین وکم زمین،

ـ تعیین مقدار زمینی که در اختیار دهقانان و بزرگ مالکان و دیگران قرار دارند،

ـ کمك برای تعیین درست "عرف محل"

آشنا ساختن دهقانان تهیدست و خرده مالك با قانون اصلاحات ارضی،

ـ نشان دادن این واقعیت که قانون علیه بزرگ مالکان ستمگر و غاصب متوجه است و روشنگری در زمینه ضرورت اقتصادی و سیاسی الغای بزرگ مالکی،

ـ جلوگیری از تبلیغات و شایعات مسموم ضد انقلاب، که سعی دارد میان دهقانان زحمتکش و خرده مالکان جدائی اندازد، و نشان دادن اینکه خرده مالکان نیز از اجرای قانون و از کوتاه شدن دست اربابان و خوانین و واسطه‌ها و سرمایه ـ داران سود می برند،

ـ خنثی کردن توطئه‌های بزرگ مالکان و ایادی‌شان، روحانی نمایان و لیبرالها، که در همین زمینه‌ها تبلیغات سوء می‌کنند و آتش نفاق و تشنج می‌افروزند

بخوبی دیده می‌شود که وظایف پرشمار شوراهای روستائی در زمینه واگذاری زمین دارای اهمیت فراوانی است و کوشش و پیگیری بسیاری را از شوراهای روستائی، برای تحقق این نکات می طلبد.

شوراهای روستائی باید نقش مفید و فعالی در بسیج دهقانان، جمع‌آوری طومار و ارسال نامه‌های دهقانان به مقامات مسئول جهت اجرای بند "ج" و بند "د" ایفا کنند و نیروی دهقانان را برای درهم شکستن مقاومت پلید بزرگ مالکان و برای سازمان دادن عملی اجرای قانون بسیج کنند.

برطرف کردن مشکلات موجود کشاورزی وکمك به ازدیاد تولید

دهقانان زحمتکش در امور مختلف تولید کشاورزی ـ کاشت، داشت و برداشت با مشکلات و کمبود های جدی مواجه هستند. در بسیاری از روستاها وسائل و ابزار کار کشاورزی موجود در دست دهقانان، همان ابزارآلات سنتی و قدیمی است. از آب زراعی و وسایل تولید کشاورزی گرفته تا کود، بذر، سم و سوخت ماشین آلات کشاورزی وغیره همگی از احتیاجات و خواستهای مبرم و حیاتی کشاورزان است. شوراهای روستائی می‌توانند ضمن ارزیابی این مشکلات وتعیین اولویت های مشخص برای حل آنها در هر ناحیه، با مقامات مسئول، مانند ادارات کشاورزی استان و مراکز خدمات روستائی و جهاد سازندگی منطقه تماس دائم و پیگیر برقرار کنند و این خواستها و مشکلات را با آنها در میان بگذارند، تا نسبت به تأمین این وسائل واحتیاجات اقدام شود.

کمك به ایجاد تعاونی های تولید وچند منظوره، که بخشی از وظائف شوراهای روستائی را تشکیل می دهد، می‌تواند در زمینه عرضهٔ خدمات تولیدی کشاورزی به کشاورزان و تأمین وسایل کار و کشت بسیار موثر باشد.

رشد تولید کشاورزی یکی از وظائف مهم میهنی ما و یکی از عرصه‌های نبرد جدی با امپریالیسم آمریکا و عمال آن است. باید با همت و پیگیری وکوشش اعضاء شورا و باتکیه به بسیج توده دهقانان توسط شورای ده در این زمینه، فعالیتی ثمربخش و کارساز را سازمان داد و تا آنجاکه ممکن است تولید و فرآورده‌های کشاورزی را در داخل کشور بیشتر کرد و به خودکفائی مقدور، که از محمل های استقلال اقتصادی است، نزدیك شد.

تامین امکانات معیشتی عمرانی درمانی و فرهنگی برای روستائیان

وضع روستاهای میهنمان از نظر امکانات آموزشی، مسکن، بهزیستی، درمانی و فرهنگی، وخیم و تأسف بار است. این میراث شومی است که رژیم طاغوت از خود برجای گذاشته است. در بسیاری از روستاهای میهن ما از آب آشامیدنی سالم، حمام، برق، درمانگاه، مدرسه، کتابخانه، قرائت ـ خانه، شرکت تعاونی، مسجد وغسالخانه و غیره هیچ خبری نیست. علاوه براینها، گرانی در روستاها بیداد می کند و واسطه ـ ها و سلف خرها و رباخوارها پوست از سر دهقانان زحمتکش ما می کنند. شوراهای ده وظیفه دارند که، ضمن همکاری با نهادهای انقلابی و ارگانهای دولتی، با زهم با ارزیابی امکانات و تعیین اولویت های مشخص هر مسئله، در صدد حل تدریجی این مشکلات و کمبود ها برآیند.

در زمینه گرانی و کمبود مایحتاج عمومی، شوراهای ده وظیفه دارند توده‌های روستائی را از نحوه کار شرکت های تعاونی مصرف آگاه سازند و آنها را در ایجاد این گونه تعاونی ها که نقش بسزائی در توزیع عادلانه تر ارزاق و کاهش قیمت مایحتاج عمومی دارند، تشویق کنند.

فعالیت شورا در جبهه و پشت جبهه

باآغاز تجاوز آمریکائی رژیم صدام، روستائیان زحمتکش در جبهه و پشت جبهه باتمام توان خود به دفاع از انقلاب و

بقیه در صفحه ۱۲

جنگ را از یاد...

بقیه از صفحه ۱

انقلاب در منطقه گره خورده است. در این جنگ چهره آینده منطقه خاورمیانه ترسیم می‌شود. بیهوده نیست که همه ارواح خبیثه ضد انقلاب که بر پایگاه داخلی امپریالیسم ـ کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران ـ تکیه دارند و از جانب هارترین محافل امپریالیستی هدایت می‌شوند، تمام نیروی خود را به کار گرفته‌اند تا از پایان جنگ به سود ایران انقلابی جلوگیری کنند.

ضد انقلاب، در کنار هدفهای دیگر خود که ایجاد تفرقه در میان نیروهای مردمی وانقلابی و برافروختن آتش جنگ داخلی محور مرکزی آن است، باتمام نیرو تلاش دارد تا نظرها از جبهه های جنگ منحرف گردد و به درگیری‌های خیابانی و بمب ـ گذاری‌ها و امثال آن متوجه شود. اگر دشمن به این هدف شوم برسد، از جانبی رزمندگان جان برکف انقلاب را در جبهه‌ها نگران اوضاع کشور خواهد کرد و در اراده جنگی شان احیاناً فتوری پدید خواهد آورد، و از سوی دیگر نیروی عظیم پشت جبهه را که متشکل از فداکارترین مردم زحمتکش وانقلابی است و فعالیت آن با سرنوشت جنگ و کوشندگان سنگرهای مقدم ارتباط تنگاتنگ دارد به جانب دیگری سوق خواهد داد. و این

ترفندی دوزخی است که سود آن تمام وکمال به حساب امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، وارتجاع منطقه واریز خواهد شد.

این ترفند را ـ چنان که تاکنون عمل شده است ـ باید با هشیاری خنثی کرد. نباید لحظه‌ای از جبهه‌های جنگ غافل شد. درکار تدارکات و در امر تبلیغات، همه نظرها باید به سوی سنگرهای نبرد با متجاوزان صدامی باشد، چه اکنون این سنگرها ازمهم ترین جبهه‌های نبرد با آمریکاست. پیروزیهائی هم که در جبهه‌ها به دست می‌آید، ـ ازجمله، در این روزها، تصرف نوسود و ارتفاعات مهم پیرامون آن، وما این پیروزی را به جنگاوران عزیز، به ملت ایران وبه حضرت امام خمینی تبریک می ـ گوئیم ـ هریک ضربه‌ای است که صدام متجاوز و، در نهایت، امپریالیسم وارتجاع منطقه را به سقوط حتمی نزد یکتر می‌کند.

در همان حال، ضد انقلاب را نیز باید با تمام نیرو سرکوب کرد. انقلاب ضد امپریا ـ لیستی، مردمی واسلامی ایران بخوبی قادر است در این هرد و جبهه برزمد و پیروز شود. اما شرط آن است که همه نیروهای خلق قهرمان ایران زیررهبری امام خمینی به اتحاد فراخوانده شوند و از تمامی توان انقلاب بهره گیری شود. آری، انقلاب ایران ذخیره‌های عظیمی از نیروهای بالفعل و بالقوه دارد که باخون خویش از دستاورد ـ های آن پاسداری خواهند کرد.

تفسیر وقایع...

بقیه از صفحه ۵

افغانستان " وجود نخواهد داشت. افغا ـ نستان آماده است که مستقیما با همسایگان خود درباره بازگشت فراریان وتمام اختلافات موجود وارد مذاکره شود. اگر دولت های امپریالیستی و چین تعهد کنند که در امور داخلی افغانستان دخالت نخواهند کرد، دیگر ضرورتی برای ماندن ارتش شوروی در خاک آن کشور باقی نمی‌ماند و به محض رفع خطر، افغانستان راترك خواهد نمود اتحاد شوروی بنوبه خود بازی سیاسی کارینگتون را محکوم وازموضع دولت افغانستان پشتیبانی کرده است. بمب صوتی کارینگتون، بدون آن که بتواند آسیبی برساند، خنثی شد. ولی البته همچنان باید در انتظار بمب های دیپلوماتیک دیگری در حول و حوش افغانستان بود.

درعین حال نحوه عمل کارینگتون در این مورد، در داخل برخی از کشورهای عضو بازارمشترك اروپا " باواکنش منفی وحتی اعتراض روبرو شد. سه کشور آلمان غربی، فرانسه و انگلستان، که گردانندگان اصلی " بازارمشترك اروپا " بشمار می‌آیند، در اغلب موارد، بازد وبند درمیان خود شان، بدون

مراجعه به سایر کشورهای عضو، سیاست " بازارمشترك اروپا " راتعیین می‌کنند. این بارنیز وزیران خارجه این سه کشور در لندن جمع شدند و بر پیشنهاد کارینگتون مارك " بازارمشترك اروپا " زدند. کشورهای کوچك عضو" بازارمشترك اروپا " طبق معمول به غرولند اکتفا کردند. اما ایتالیا رسما به این عمل متحدانش اعتراض و اعلام کرد که گرد ـ همائی لندن حق نداشته است خود سرانه بدون جلب موافقت کشورهای عضو" بازار مشترك اروپا "، پیشنهادی را به نام آنان مطرح کند. دولت ایتالیا در اعلامیه خود این گرد همائی را " زیانبخش و بیفایده " توصیف کرده است.

اما هیگ، بنام دولت آمریکا، از همان ابتدا پشتیبانی خود را از پیشنهاد سازنده کارینگتون اعلام داشت. خیمه شب بازی ـ های "بازارمشترك اروپا " که گویا در مسائل جهانی (ازجمله مسئله فلسطین) موضع مستقلی اتخاذ می‌کند، همه از همین قبیل است و در آنها علی الاصول هیچ اختلاف جدی با آمریکا وجود ندارد و تنها تقسیم کاری است در چارچوب حفظ مواضع دنیای امپریالیسم، منتهی باشیوه‌ها و رنگهای دیگر.

کارنامه...

بقیه از صفحه ۶

شیطان

وامام خمینی گفتند :" هی نگوئید من، بگوئید مکتب من. هرکه گفت من، این من شیطان است. هرکه گفت باید از من اطاعت کنید، این شیطان است". (۵۹/۶/۳۱)

وبزرگ "من" داران زمان، پیوسته گفت :

ـ "من کودتا را کشف کردم..." (۵۹/۶/۳)

ـ " آمریکا می‌داند "من" چه می‌کنم و ریشه‌های وابستگی را می‌خشکانم". (۵۹/۶/۳)

ـ " من بزرگترین اندیشه جهان معاصر هستم". (اطلاعات هفتگی ـ تیر ۱۳۵۹)

ـ " من کتاب تضاد و توحید خود را بزرگترین اثر قرن می‌دانم" (همانجا)

وسرانجام تضاد درهمهٔ امور

وخطی که بنی صدر میرفت سرانجام در همه ابعاد به تقابل وتضاد با خط امام برخاست.

امام خمینی می‌گفتند :

" حالا ازاموری تبلیغ می‌کنند و بین قشر ـ های مختلف پخش می‌کنند، این است که این انقلاب کاری نکرده است واین جمهوری اسلامی هم مثل رژیم شاهنشاهی است، یك اسمی عوض کرده است". (۲۷ بهمن ۵۹)

و"بزرگترین اندیشه جهان معاصر" میگفت :

" ما بعنوان حکومت اسلامی برای مردم چه ارمغان آورده‌ایم؟ کدام بیعدالتی از بین رفته است؟ کدام عدالت به کرسی نشسته است؟ کدام بیکاری و گرانی از بین رفته است؟ کدام عبادت به معنی واقعی کلمه آورده‌ایم؟ کومعنویتی که آورده‌ایم؟ پس هم مادیت و هم معنویت دارد همان مسیر رژیم سابق را طی می‌کند و منزلت فرهنگی در جامعه ما در بسیاری جهات کمتر از رژیم سابق می‌باشد. باشش نوع زندان وضمان بدتر از سابق است، در بعضی مراحل انحطاط ما بیشتر از سابق است". (انقلاب اسلامی ـ ۱۰ آذر ۱۳۵۹)

و "من" می‌افزود :

" این ادامه سیاست ساواك شاه است با این تفاوت که ساواکیها امروز نسبت به گروهها باتبعیض رفتار می‌کنند". (مصاحبه با مجله آلمانی پروفیل ـ نقل از جمهوری اسلامی ـ ۲۸ اسفند ۱۳۵۹)

(ادامه دارد)

امپریالیسم خبری...

بقیه از صفحه

کوچکترین وظیفه آنهاست ـ بلکه بطورعمده بمجاسوسی و سازماندهی توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران اشتغال دارند، که بسیار خطرناك تر از عملکرد نخست آنهاست.

در گزارش " گروه تحقیق واحد بین المللی خبر گزاری پارس"، این عملکرد چنین بیان شده است:

" گروه وسیعی از مأموران اطلاعاتی سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی کشورهای امپریالیستی از جمله " سیا " را خبرنگاران خارجی تشکیل می‌دهند".

اطلاعیه روابط عمومی وزارت ارشاد اسلامی نیز درمورد تعطیل دفتر رویتر تصریح می‌کند که :" کارگزاران و وابستگان (امپریا ـ لیسم خبری) . . . درلباس خبرنگار بهاین کشورها (ملل مستضعف) سرازیرشده‌اند".

بهمین دلیل اقدام وزارت ارشاد اسلامی در تعطیل این مرکز تحریك و توطئه و جاسوسی، ابعاد مثبت بسیار دارد، که طبیعتاً مورد تأیید کلیه نیروهای انقلابی و وفادار به انقلاب نیز هست.

اماآیا اقدام وزارت ارشاد اسلامی در تعطیل دفاتر خبرگزاری‌های امپریالیستی، سایه شوم این کارگزاران شیطان بزرگ را ازمغز و اندیشه مردم کشور، بکلی دور ساخته است؟ آیا نقش مخرب امپریالیسم خبری پایان گرفته و زندگی، فرهنگ و به ویژه رسانه‌های خبری کشورما، از نفوذ خطرناك آن رسته اند؟

پاسخ به این سوالات متأسفانه منفی است، زیرا امپریالیسم خبری تنها یك "دفتر" باگروهی کارگزار، که آنهم تنها در ایران فعالیت می‌کنند، نیست، بلکه سازمانی سراسری و جهانی است که هرروزه توسط تلکس ها و دستگاه‌های مخابراتی قدرتمند و هزارها خبرنگار، که زیرنظر سازمانهای جاسوسی امپریالیستی کار می‌کنند، واقعیات جهان ـ و نه فقط ایران ـ را در جهت منافع خون آلود و غارتگرانه انحصارات بین ـ المللی امپریالیستها دگرگون می‌کند، دروغ می‌سازد، تحریف می‌کند و به سراسرجهان مخابره می‌کند. امپریالیسم خبری حتی به حضور در کشور انقلابی که " اخبار" خود را در مورد آن منتشر می‌سازد نیز نیاز ندارد. دروغ ساختن بهیچوجه نیازی به تماس مستقیم با واقعیت ندارد.

بعنوان مثال کافیست به برخورد امپر ـ یالیسم خبری، رویدادهای کشور انقلابی همسایه ما افغانستان، نظری بیفکنیم. در این کشور نیز " دفاتر" خبرگزاری‌های امپر ـ یالیستی وابسته و جاسوسان آنها را اخراج کرده اند، اما هر روزه به نقل از" مسافران"، " مقامات مطلع" و" مبارزان افغانی "، دروغ ـ های امپریالیسم خبری در سراسرجهان و ازجمله متأسفانه درنشریات و رسانه‌های گروهی کشور خود ما، منتشر می‌شود. انقلاب ایران نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود و"مسافران" و" مقامات مطلع" و " مبارزان" گوناگون، " اخبار" مورد نظر خبرگزاری‌های امپریالیستی را بدانها خواهند رسانید.

اماسخن برسراین نیست. سخن بر سر آنست که ما درست در شرایطی که " دفاتر" شیطانی امپریالیسم خبری را تعطیل می‌کنیم در همانحال از شناخت صحیح عملکرد و ماهیت این دستگاه دروغ توطئه و تحریك هنوز بدوریم. آیا زمانیکه دفتر رویتر در ایران تعطیل می‌شود، ولی درهمان حال اخبار تلکس رویتر، یونایتد پرس، آسوشیتد پرس، وفرانس پرس بخش عمده اخبار رسانه‌های گروهی کشور ما را تشکیل می‌دهد، می‌توان از بیرون راندن امپریالیسم خبری سخن گفت؟ مگرامپریالیسم خبری و انحصارات جهانی امپریالیستی، تنها باانقلاب ایران خصومت دارند و تنها اخبار آن را جعل و تحریف می‌کنند؟

برای آنکه نشان دهیم چگونه مبارزه با امپریالیسم خبری، علیرغم تاکید و تصریح ضرورت آن، تنها در سطح باقی مانده است، به ذکر دونمونه، که درمورد رسانه‌های خبری جمهوری اسلامی ایران، متأسفانه عمومیت دارند، اکتفا می‌کنیم:

روزنامه " صبح آزادگان " در شماره چهارشنبه ۱۷ تیر خود، که در آن خبر تعطیل خبرگزاری امپریالیستی رویتر را منتشرساخته و اطلاعیه وزارت ارشاد اسلامی را در این مورد چاپ کرده است، ۲۲ خبر به نقل از منابع مختلف در مورد رویدادهای جهان دارد که ٦ خبر آن به نقل از رویتر است، ۷ خبر از خبرگزاری فرانسه، ۳ خبر ازآسوشیتد پرس، یك خبر از یونایتد پرس و ۲ خبر از خبرگزاری‌های امپریالیستی (بدون نام) ـ یعنی ۸٦٪ اخبار خارجی از خبرگزاری‌های امپریالیستی اخذ شده است!

روزنامه" اطلاعات" نیز در شماره مورخ ۱۵ تیر خود، که عملکرد یك ماهه رویتر را منتشر ساخته است، ۸ خبر از رویدادهای خارجی دارد، که یك خبر از رویتر، ٤ خبر از خبرگزاری فرانسه، ۲ خبر ازآسوشیتد پرس و یك خبر از یونایتد پرس، یعنی ۱۰۰٪ از منابع خبری امپریالیستی است!

باچنین برخوردی سخن از مبارزه با امپریالیسم خبری به میان آوردن، نمیتواند جدی باشد.

باید توجه داشت که دنباله روی از اخبار خارجی خبرگزاری‌های امپریالیستی، زیانی کمتر از نشر اخبار این خبرگزاری‌ها در مورد ایران ندارد. در این "اخبار" دوست، دشمن و دشمن، دوست جلوه گر می‌شود. تحت تأثیر این اخبار قرارگرفتن، یعنی سوق دادن ایران به سوی انزوا، که مورد نظر امپریالیسم آمریکا و کارگزاران داخلی آنست.

انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران، که در جنگی بی امان، هم اقتصادی، هم سیاسی وهم فرهنگی با جبهه جهانی سرمایه درگیراست، باید بگونه‌ای ریشه‌ای، عمیق و جدی با توطئه گران تبلیغاتی این جبهه شیطانی، روبرو شود و سیطره فرهنگی و نفوذ خبری آنها را که در واقع زمینه ساز توطئه‌های سیاسی و نظامی امپریالیسم است، از ریشه برکند.

نمی‌توان، باامپریالیسم خبری مبارزه ـ ای جدی انجام داد، ولی از دریچه چشم امپریالیسم خبری دنیا را دید و شناخت و نمی‌توان باامپریالیسم خبری مبارزه‌ای جدی کرد، ولی به جستجوی منابع مطمئن خبری، که باانقلاب ایران و مردم انقلابی جهان، همراه و همگام هستند و چهره امپریالیستی را افشا می‌کنند، برنخاست.

این ضرورت انقلاب است.

وقایع مهم جهان دریک هفته

تصویب برنامهٔ دولت جدید فرانسه در پارلمان آن کشور

"مجلس ملی" فرانسه بااکثریت آراء برنامه دولت جدید آن کشور راتصویب کرد. در بخش اقتصادی ـ اجتماعی برنامه دولت ائتلافی سوسیالیستها ـ کمونیست ـ ها، مقابله بابیکاری مقامی خاص دارد. دولت فرانسه همچنین قصد دارد به ملی کردن واحد های اقتصادی بزرگ بپردازد. در زمینه سیاست خارجی، فرانسه "تعهدات خود را به" پیمان آتلانتیك "تأكيد كرد. در برنامه دولت جدید فرانسه، از آمادگی آن کشور برای "ادامه دیالوگ با اتحاد شوروی و دوستی سنتی" با این کشور سخن به میان آمده است.

کمك اتحادشوروی به ویتنام

میان اتحاد شوروی و ویتنام پروتکلی درزمینه هماهنگسازی برنامه های ملی دوکشور در سالهای ۸۵ـ۱۹۸۱ به تصویب رسید.

در این پروتکل به کمك اتحاد شوروی به ویتنام در گستره تولید و سوخت وانرژی دیگر صنایع، ترابری وبازرگانی تاکید شده است. اتحاد شوروی به واگذاری ماشین ـ آلات، تجهیزات، مواد خام و فرآورده های کشاورزی بویتنام در ازای واردات فرآورده ـ های مصرفی ازاین کشور ادامه خواهد داد.

درگذشت پنجمین زندانی «میز» باردیگر به تظاهرات مردم ایرلند شمالی علیه استعمارگران بریتانیایی انجامید

در ایرلند شمالی، درچند روز اخیرسه تن براثر شلیك گلوله های پلاستیکی جان خود را از دست دادند. آخرین قربانی موج جدید اختناق پسری پانزده ساله بود. پیش از این نیز یك زن سی ساله ونوجوانی دیگر بهلاکت رسیده بودند.

نیروهای بریتانیائی در پی تظاهرات مردم ایرلند شمالی به پشتیبانی ازخواست ـ های زندانیان "میز" به سرکوب آنها، پرداخته اند. مهم ترین خواست آنان کسب موقعیت زندانی سیاسی است. روزسه شنبه ۱۶تیر ۶۰، جومك دانالد، پنجمین زندانی سیاسی ایرلند شمالی براثر اعتصاب غذا درگذشت. در این میان، هفت مبارزدیگربه اعتصاب غذای خود ادامه می دهند.

در کنفرانس مطبوعاتی، که در لندن به پشتیبانی از زندانیان ایرلند شمالی برگزار شد، ارنی رابرتز، یکی ازنمایندگان "حزب کارگر"، گفت:

"خود داری دولت بانوتاچر ازمصالحه به قربانی های جدید خواهد انجامید".

در این کنفرانس مطبوعاتی، همچنین از ادامهٔ سیاست استعمارگرانه بریتانیا در "آلستر" سخن بمیان آمد. یکی ازسخنگویان یادآورشد، که در ایرلند شمالی "تنها رشته ـ ای، که توسعه می یابد، زندان سازی است".

تاکنون ۲۶۰۰۰ نفرقربانی رژیم آمریکایی السالوادر شده اند

درالسالوادور جسد ۴۶نفردیگر پیدا شد، که زیر شکنجه بهلاکت رسیده اند. بگفتهٔ خویشاوندان آنان، میهن پرستان السالوادوری قربانی وحشیگری اشرار راستگرا و همدست رژیم وابسته به آمریکای سان سالوادور گردیده اند تاکنون، ۲۶ هزارنفرقربانی اختناق رژیم در دمنش این کشور شده اند.

تظاهرات گستردهٔ جوانان بریتانیا علیه بیکاری وخشونت پلیس

دربریتانیا، جوانان این کشور علیه بیکاری توده ای، نبود مسکن وپایمال حقوق خود به اعتراضات گسترده دست زدند.

برای نمونه، درمنچستر پلیس باسگ بجان اعتراض ـ کنندگان افتاد. در این شهر بزرگ صنعتی، ۶۰ ۴ نفردستگیر شدند، منچستری ها ازرفت و آمد درخیابانها بهنگام شب منع گردیده اند. بدین ترتیب درمنچسترعملا مقررات منع عبور و مرور شبانه حکمفرما شد.

درچندین بخش لندن نیز درگیری هائی میان پلیس و جوانان صورت گرفت. نیرو ـ های پلیس ازدیگرنقاط کشور نیزبه این مناطق اعزام و بسیاری از تظاهرکنندگان دستگیر شده اند.

دربحثی، که دراین باره در پارلمان بریتانیا صورت گرفت بدین واقعیت اشاره گردید که، در این زمینه، سیاست اقتصادی ـ اجتماعی دولت "توری" و بیکاری بیسابقه در این کشور نقش مهمی را بازی می کند. بیکاری بویژه دامنگیر جوانان و سیاهپوستان شده است.

هترزلی، یکی ازنمایندگان "حزب کارگر"، گفت که: "علت مبارزات کنونی جوانان عبارتست ازبیکاری گسترده، بیمه اجتماعی نازل و وضع توانفرسای مسکن".

چنانکه ازمصاحبه تلویزیونی مارگارت تاچربرمی آید، دولت بریتانیاحاضرنیست ازسیاست کنونی خود دست بردارد.

درلیور پول، که روز جمعه ۱۲ تیر ۶۰ در آن ناآرامی های کنونی آغاز شد، ۶۰٪ اهالی مستعمرات سابق بریتانیا بیکارند.

پلیس بریتانیا در درگیری ـ های کنونی به استفاده ازگاز سمی "سی.اس" دست زده است.

شصتمین سالگرد انقلاب مردمی درمغولستان

روزشنبه شصتمین سالگرد انقلاب مردمی درمغولستان بود. یومژاگین تسدنبال، رهبر جمهوری خلق مغولستان، درمقاله ای در "پراودا" (اتحاد شوروی) به پیشرفت های بزرگ کشور خود در روند ساختمان سوسیا ـ لیسم اشاره کرد. وی دراین زمینه کمك های ارزنده اتحاد شوروی را یادآورگردید.

بگفته یومژاگین تسدنبال، "جمهوری خلق مغولستان "همواره" در راه تحکیم هم پیمانی خود با اتحاد شوروی ودیگرکشورهای سوسیالیستی کوشا خواهد بود". وی درمقالهٔ پیشگفته "اقدامات برتری جویانه و گسترش طلبانه" چین رامحکوم ساخت، که "هر چه بیشتر صلح رابخطر می اندازد".

چشم انداز اقتصادی غرب تیره است.

بر پایه گزارشی، که در پاریس از سوی "سازمان همکاری و توسعه اقتصادی" انتشار یافت، چشم انداز اقتصادی غرب بس تیره است. این گزارش پیش بینی می کند که شماره بیکاران در ۲۴ کشور سرمایه داری عضو این سازمان در پایان سال ۱۹۸۱ به ۲۶/۵ میلیون خواهد رسید.

بقیه ازصفحهٔ ۱۰

دربارهٔ شوراهای ...

دستاورد های گرانقدر آن برخاستند، تا جمهوری اسلامی ایران را از چنگال توطئه ـ های پیاپی آمریکا برهانند و آنرا تحکیم نمایند. تجربه نه ماهه اخیر نشان داد که چه درمناطق جنگ زده، و بویژه درنواحی مرزی خوزستان، و چه درسایراستانها که پشت جبهه راتشکیل می دهند، شوراهای ده نقش موثر و مهمی را درتجهیزدهقانان دربسیج جوانان ده، دراعزام داوطلبان، درسازمان دادن وکمك مالی و جنسی به جبهه و بالاخره درسازمان دادن مقاومت فعال و موثرعلیه دشمن متجاوز ایفاکرده اند شوراهای روستائی دربسیاری موارد افراد داوطلب روستائی را جهت آموزش به سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین معرفی کردند، ترتیب آموزش نظامی و تمرینات لازم رادادند، تامقامات مسئول نسبت به فرستادن روستائیان به جبهه های جنگ اقدام نمایند.

کمك و تشویق روستائیان به تولید هر چه بیشترمحصولات کشاورزی برای مبارزه با توطئه های ضدانقلاب، که می کوشد بااعمال مخرب خود به کمبود مایحتاج عمومی دامن زند و دشمن را یاری رساند، یکی دیگر از وظائف مهم شوراهای ده در پشت جبهه است. روستائیان زحمتکش تابحال کمك های مادی و معنوی فراوان به جبهه های جنگ کرده اند. شورا باید این امر رابطورمنظم ودقیق ادامه دهد و همواره سعی کند بر مقدار این کمکها بیافزاید. پس از شکست قطعی صدام آمریکائی نیزاین وظیفه در ابعاد و اشکال دیگری ادامه خواهد یافت.

میهن انقلابی ما باید توطئه های امپریا ـ لیسم رادرجبهه های متنوع نبرد درهم شکند و نقش روستائیان ما، چه درارتش بیست میلیونی و چه درسنگرهای تولید و تقویت جمهوری، انکارناپذیراست.

دونکتهٔ مهم دربارهٔ شوراهای ده

درخاتمه این بحث پیرامون وظائف بسیارمهم و حیاتی و واقعاانقلابی شورای ده، لازمست ضرورت رعایت دونکته مهم را از جانب روستائیان و شوراهای ده خاطر نشان سازیم.

روستائیان زحمتکش باید درانتخاب نمایندگان شورا دقت بسیار به خرج دهند روستائیان باید نمایندگانی رابرای عضویت درشورا انتخاب کنند، که از میان خود آنها و دردآشنا باشند و برای تأمین منافع حقه و مسلم آنها دلسوزانه و پیگیرانه تلاش کنند. روستائیان زحمتکش باید مراقب باشند، **تابه سرنوشت روستائیان قطارتوئی** ـ سرایجوق ـ آقبلاق رشد ـ حسن آباد لتگاه وشوند ـ دراستان همدان ـ دچار نشوند. در روستاهای نامبرده مالکان و افراد طاغوتی و عضو حزب منحله رستاخیز (در روستای شوند) در شورای ده نفوذ کردند. به همین جهت لازم است دهقانان چهارچشمی مواظب این گونه افراد باشند.

اما شوراهای روستائی موظفند، بنوبهٔ خود، بیلان و ثمره فعالیت ها و اقدامات ـ شان رامرتبا به دهقانان گزارش دهند و بازده مطلوب کارخود رابه روستائیان توضیح دهند و از هرکارانجام شده برای بسیج نیروی عظیم دهقانان سود ببرند. شوراهای ده باید عملکرد اقدامات خود را منتشر سازند و بابرگزاری جلسات و گرد ـ همائی ها، زحمتکشان روستا را درجریان کارها و مشکلاتی که باآن مواجه هستند بگذارند و بدانند که نیروی متحد خود دهقانان اهرم اصلی عمل موثر آنهاست.

بی شك زمینه های فعالیت شوراهای ده و وظائف بواقع انقلابی آنها بسیارگسترده هستند و جادارد که درآینده، بدنبال این فهرست ازعمده وظائفی که اکنون دربرابر شوراهای روستائی قراردارند، نمونه ها و جوانب دیگری از این وظائف رامورد بررسی قراردهیم.

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دمکراتیك مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین)
آدرس: منطقه ۱۳ پستی ـ صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷

برای نبرد قاطع با امپریالیسم آمریکا وسرکوبی ضدانقلاب داخلی متحد شویم!